

مخبر

۹

سال اول

اردیبهشت ماه ۱۳۵۸
هفته چهارم

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

تک شماره ۱۰ زیال

در این شماره:

- سالگرد شهادت دکتر شریعتی
- شوروی: کشوری امپریالیستی
- دهقانان لیجاریتهای خود را پس می گیرند
- جنگ و دار و دسته کیانوری
- "منطق" تجاوزگران
- آقای برژنفسکی و استقلال ایران
- مسایل و در خواستهای کارگران معدن سولفات

اصول قانون اساسی

بعد از پیروزی انقلاب و تصویب جمهوری اسلامی در فروردین ماه ۱۳۵۷ و ۱۱ فروردین امسال، اکنون مسأله تدوین قانون اساسی و تشکیل مجلس مؤسسان برای تصویب آن در دستور کار قرار گرفته است.

پیروزی انقلاب شرایط مساعدی را بوجود آورده است که بتوان با باز کردن بحث در مورد قانون اساسی سطح آگاهی مردم را نسبت به مسائل اساسی انقلاب بالا برد و توده های مردم را برای حفظ و حراست از انقلاب بسیج نمود. هر چند تدوین قانون اساسی با دیدن نهایت دقت و با شرکت حقوقدانان صورت گیرد ما روشن صحیح تدوین قانون اساسی، دخالت دادن و بسیج وسیع توده های مردم در مورد نکات اساسی این قانون است.

بحث قانون اساسی را با یاد از دایره تنگ بحث های حقوقی در اطاقهای در بسته در آورده و بیک مشاوره سیاسی توده های میلیونونی خلق تبدیل نمود. قوانین تجلی و انعکاس روابط زیربنائی جامعه هستند و اساساً در خدمت و

مطبوعات باید به اکثریت خدمت کند

چون "آیندگان" را ابزار تبلیغاتی بر علیه انقلاب خود دیدند، بیباک شدند و تراطرد کردند، نه اینکه بزعیم بعضی ها، عده ای قلیل با اعمال دیکتاتوری بخواهند از انتشار آن جلوگیری کنند. واقعیت امر اینست.

پس از این واقعه، نیروهای سیاسی و مطبوعاتی که در مسیر سیاسی مشابه "آیندگان" گام بر میدارند، بجای آنکه از این واقعه درس بگیرند، خود را نوسازی کنند و در مسیر انقلاب ضدا امپریالیستی خلق قرار گیرند، فریادهای "دروغین" "اختناق"، "خفقان"، "زدست رفتن آزادی" و "فاشیسم" را سردادند تا بیشتر مانع اینطور و نمود کنند که گویا در حال دست و پا زدن در زیر چکمه های "فاشیسم" اسلامی هستند. اما باید از این "ضد فاشیست" های قلابی پرسید: واقعیت چیست؟ آیا واقعه های معدوم علیه آزادی اکثریت خلق، دیکتاتوری میکنند؟ یا میلیونها نفر از مردم علیه یک خط مشی و ابزار تبلیغاتی که علیه منافع و آرمانهایش فعالیت میکرده،

"آیندگان" روزنامه صبح تهران، پس از مدت ها تبلیغات علیه انقلاب اسلامی و برانگیختن خشم توده های وسیع خلق و عدم توجه به انتقادات و هشدارهای توده ها و رهبران آنها، با گفتمانی امام خمینی که دیگر این روزنامه را نمی خواند، انتشار خود را در مقابل موج بزرگ و بحق نفرت توده ها متوقف کرد، اعلامیه ای در توجیه اعمال و سیاستهایش منتشر کرده و به گوشه ای خزید.

چرا "آیندگان" به چنین عاقبتی دچار شد؟ علت اساسی را باید در خط مشی سیاسی این نشریه یافت. خط مشی ضدیت با انقلاب اسلامی توده های میلیونونی خلق، نفی دستاوردهای بزرگ انقلاب، بزرگ کردن کمبودها، منفی گرایی، برانگیختن ناراضگی ها و ستمت دادن آن بسوی تضعیف انقلاب و رهبری آن. این "آیندگان" بود که با درپیش گرفتن چنین خط مشی سیاسی، خود را در مقابل آرمانها و منافع میلیونها نفر از مردم قرار داد، یک جنبش وسیع تحریم "آیندگان" در سراسر ایران بوجود

باسبیح توده ها ضد انقلاب را سرکوب کنیم

پیروزی انقلاب به همت پاسداران، کمیته ها و مردم به جنگ انقلاب افتاده اند، به پیش میروند و از حمایت بیدریغ خلق و کلیسای سازمانهای ملی و انقلابی برخوردارند. دادگاههای انقلاب اسلامی مورد حمله دشمنان قرار گرفته اند: امپریالیست ها و صهیونیست ها به کار دادگاهها زیر نقاب "حقوق بشر" حمله ور شده اند و این خود نشان میدهد که انقلاب مرز روشنی با ضدا انقلاب کشیده و به عمال آنان که سالها در خدمت منافع امپریالیست ها و صهیونیست ها خلقهای میهن ما را به اسارت کشیده بقیه در صفحه دوم

انقلاب اسلامی و کار دادگاههای انقلاب اسلامی خواب شیرین را از ضد انقلابیون گرفته است، آنان چون حشرات کثیف و موزی به اقصای نقاط مملکت گریخته اند، در هر روستای دور افتاده ای که امکانش بوده، در مرزها و خلاصه به هر طریق ممکن لانه گزیده اند و مرتب بکار انقلاب لطمه می رسانند، تخریب میکنند، هرج و مرج بر راه می اندازند و تصمیم در بر قرار نگاه داشتن این اوضاع را دارند.

دادگاههای انقلاب اسلامی در کار سرکوبی آن عده از ضد انقلابیون که در جریان انقلاب بدست توده های مردم و پاساز

ره نمود امام به دادگاههای انقلاب

هنگامیکه رنجبر شماره ۹ آماده انتشار بود، دستور امام خمینی به دادستان دادگاه انقلاب اسلامی منتشر گردید:

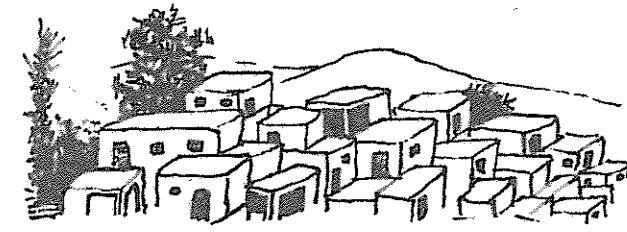
آقای دادستان دادگاه انقلاب اسلامی، در غیر از دو مورد زیر:

(۱) کسیکه ثابت شود آدم کشته است،
(۲) کسیکه فرمان کشتار عمومی داده است و یا مرتکب شکنجه ای شده که منجر به مرگ شده باشد،

۱) حسیکه ثابت سودا دم کشته است ،
 ۲) کسیکه فرمان کشتار عمومی داده است و یا مرتکب شکنجه‌های شده که منجر به مرگ شده باشد ،
 هیچ دادگاهی حق ندارد حکم اعدام صادر کند و نباید اشخاص در غیر دومورد مذکور اعدام شوند. تخلف از این امر جرم است و موجب ثبوت قصاص است .

دروستاها

دهقانان لیچا زمینهای خود را پس می‌گیرند



در سالهای سیاه سلطه رژیم پهلوی، بسیاری از عوام ملو و مزدوران رژیم با جبر، فشار و حقه‌های قانونی، با حمایت دولت زمینهای دهقانان را تصاحب کرده و از زحمتکشان روستایی خلع ید نمودند. اکنون پس از سرنگونی رژیم طاغوت، دهقانان بحق، خواستار باز پس گرفتن این زمینهای غصب شده اند. گزارش زیر نمونه‌ای از این حرکت است :

ارتشبد معدوم نصیری و عمالش حدود ۲۷۲ هکتار از زمین های زراعی قریه لیچا (در استان گیلان) را غصب کرده بودند که ۶۵ هکتار آن شالیزار و بقیه بصورت پشته میباشد، این زمینها بسیار مرغوب و مناسب صیفی جات و سایر محصولات زراعی است .

نمایندگان برای نظارت و تقسیم زمین انتخاب کنند. دهقانان تصمیم گرفتند زمین بطور موقت در اختیار زارعین بی زمین و کم زمین قرار گیرد تا بعدا وزارت کشا ورزی در این مورد تصمیم بگیرد. آنها راسا دست بکار شده و پنج نفر رابه عنوان نماینده انتخاب کردند، یک نفر مرد سالخورده که مورد احترام روستائیان قرار دارد و ۴ نفر از محصلین منطقه. نمایندگان با اهالی در مورد تقسیم زمین به توافق رسیده و اسم ۱۰۵ نفر از زارعین را با توجه به بضاغت آنان (از نظر کم زمینی و یا بی زمینی) و در نظر گرفتن کارائی آنان نوشته و تعهد گرفتند که در سال ۵۸ حتما روی شالیزارها کارکنند

و برنج بعمل بیاورند. از آنجا که شالیزار چند سالی مورد کشت قرار نگرفته بود و آباد کردنش مشکل میباشد، دهقانان خواستارندکه ماشین آلات کشا ورزی برای شخم زدن در اختیار آنها قرارگیرد. زمین شالیزاری فوق با در نظر گرفتن تسطیح و آماده کردن آن که بسیار مشکل است تا حداقل سه سال بازدهی نخواهد داشت و از نظرات کشا ورزی صرف نمیکند. دهقانان امیدوارند با کار کردن روی این زمینها، دولت زمین را بطور دائم به آنها واگذار نماید. تجربه‌ی دهکده "لیچا" یک نمونه موفق باز پس گرفتن زمین از طاغوتیان به نفع دهقانان است .

■ اعلامیه ■

حدود چند ماه پیش خانهای منطقه‌ی سقر همراه با خانهای منطقه‌ی دیوان دره با دارودسته‌ی "قیاده" موقت این عوامل ونوکران صهیونیسم و "سیا" دست به تشکیل کمیته عشایری زدند . این کمیته هادست به غصب زمینهای دهقانان ، تجاوز به حقوق کشا ورزان و راندن و آواره کردن آنان میزنند . آنها با ایجاد توطئه ها و تحریکات هدفی جز ضربه زدن به استقلال و دستاوردهای انقلاب پیروزمند ایران و ایجاد اغتشاش و نا امنی و ترس در بین صفوف زحمتکشان ندارند. توطئه اغیار بابان بر علیه کشا ورزان در منطقه‌ی دیوان دره دنباله دسیسه های ارتجاع درگنبد، ارومیه ، نقده ، سنندج و ... میباشد. جریان دیوان دره از این قرار است : روز سه شنبه ۵۸/۲/۱۷ حدود ۲۰ خانوار از آبادیهای نعل شکن ، کستران و قزالبلاغ در بخش داری دیوان دره متحصن شدند . اربابان این آبادیها بنا مهای عباس خان مظفری و پسرانش ، یحیی خان امینی ، عباس خان ویدالله خان مرادی با دارودسته مسلح بقیه در صفحه سوم

مبارزه میینمایند ؟ مسئله در اینجا بر سر حقوق بقیه در صفحه دوم

راهپیمائی دهقانان میاکلا

مبارزه دهقانان روستاهای کیا کلا (از توابع قائم شهر - شاهی سابق) تقریباً از یکسال شروع شده و تا با مرور ادا مه داشته و رشده کرده است. این مبارزه با تصرف زمین از طرف دهقانان شدت یافت و باعث درگیری شدیدی میان زحمتکشان روستایی و مالکان گردید . مالکان زورگویا اعمال نفوذ در دستگاه های دولتی (که هنوز هم از عوامل رژیم سابق پاکسازی نشده اند) در تمام این مراحل توانستند رای ما دره از دادگستری را ب نفع خود تمام کنند، و حتی در مواردی جزئی هم که دهقانان رای بدست آورده بودند مجدداً در مراحل بعدی ، رای صادره از دادگاه ، ب نفع مالکان لغوشد . ناشی از این وضع وهمچنین بوجود آمدن اتحادیه مالکان که همان باندغا رتگران و اشهرار روستائی است ، آنها مبارزه خود را بر علیه دهقانان متمرکز و یکپارچه کرده و اعمال نفوذ بیشتری در دستگاه های دولتی نمودند و بودجه ای هنگفت برای فعالیتهای ضد دهقانی اختصاص دادند . این حمله ضد انقلاب با مقاومت دهقانان روبرو شد و آنان در روز شنبه ۱۲ اردیبهشت در قائم شهر دست بیک راهپیمائی زدند که در آن بین ۲۵۰ تا ۳۰۰ نفر روستائی که دهقانان ۲۰ روستا را نمایندگی میکردند شرکت نمودند. این اولین تظاهرات روستائیان در قائم شهر بود و در آن زنان هم دوش مردان شرکت داشتند .

این راهپیمائی برای اهالی شهر غیر منتظره بود و کنگاوی همراه بانگرانی آنها را برانگیخت. در بقیه در صفحه سوم

میلیونی خلق تبدیل نمود. اولین تجلی وانعکاس روابط زیربنائی جامعه هستند و اساساً در خدمت و متناسب با این روابط قرار دارند. کوشش برای تدوین قانون اساسی هم نباید کوشش برای وضع قوانین مجرد بوده و جدا از واقعیات و نیازهای این مرحله از جنبش مردم ما باشد. آنچه عمده مورد نیاز است تهیه یک قانون اساسی است که در خدمت تأمین سدا آرمان اصلی جنبش انقلابی ضد امپریالیستی و دموکراتیک خلقهای میهن ما یعنی استقلال ، آزادی و عدالت اجتماعی باشد. قانون اساسی جدید باید بنیاد نگر و واقعیت موجود در جامعه ما باشد، یعنی شرکت اقشار طبقات گوناگون در انقلاب بود و بالطبع باید حتی المقدور در خدمت حفظ منافع همگی این اقشار و طبقات باشد. عبارتی دیگر قانون اساسی باید انعکاس وحدت بزرگ خلق یعنی وحدت کارگران دهقانان، روشنفکران، روحانیون مبارز، کارمندان، کسبه و اصناف و تجار ملی باشد. قانون اساسی باید در خدمت خلق و طبقات واقشار خلقی بوده و حریه برنده‌ای باشد تا با آن بتوان بر علیه توطئه ها و خرابکاریهای دشمنان یعنی بقیه در صفحه چهارم

چلنگر

ودارودسته کیانوری

"چلنگر" دیروز در نزد میهن پرستان که جنبش ضد امپریالیستی و ضد استبدادی خلق در سالهای ۳۱-۳۰ را بنیاد دارند و با نام آشنا و منفوری است. "چلنگر" دیروز دکهای بودا ز چندین و چند دکهای جنبش ملی خلقهای میهن ما باز کرده بود و وظیفه ای نداشت مگر ضربه زدن به دولت ملی مصدق و تخریب در مبارزه ضد امپریالیستی خلق . چند شماره از "چلنگر" سالهای ۳۱-۳۰ در خطاب به دولت ملی دکتر مصدق چنین نغمه های شومی میدهد : رئیس دولت این کشور ما است بقیه در صفحه سوم



رویدادهای جهان

منطق "تجاوزگران"

تجاوزگران ویتنامی که با ارسال ۲۵۰ هزار سرباز خاک کا میبوج را اشغال نظامی کرده اند در هفته گذشته بابتی شرمی هرچه تمامتر اعلام کردند که فرآوردن این نیروهای اشغالگر به استقلال کشورشان لطمه خواهد زد. چه کسی به استقلال دیگری لطمه زده است؟

رژیم ویتنام پس از پیروزی بر امپریالیسم آمریکا راه سلطه جویی بر ملل جنوب شرقی آسیا را در پیش گرفت و بدین خاطر قدم به قدم به امپریالیستهای روسیه که در پی سلطه جستن بر جهانند نزدیک تر شد و صورت شریک کوچک تجاوزات و غارت آنان در آمد و در مدت بسیار کوتاهی به عامل پیش برنده امپریالیسم توسعه طلبانه این امپریالیسم نوخاسته در این منطقه تبدیل گردید.

رژیم ویتنام ابتدا با ارسال پنجاه هزار نفر از ارتش خود لاکوس را بابتی سرود با بلعید در همین مدت نیز بارها تلاش نمود با اعمال فشار و توطئه، خلق قهرمان کا میبوج را به زانو در آورد، ولی از آنجا که این خلق کوچک، تحت رهبری حزب کمونیست از زمان جنگ بر علیه امپریالیسم آمریکا همواره به نیروی خود تکیه نموده و قاطعانه وابستگی به سویال امپریالیسم شوروی را رد کرده بود، رژیم ویتنام قادر به سرنگونی دولت ملی کا میبوج با این توطئه ها نشد. بهمین جهت در فاصله بین مهر سال ۵۴ تا اردیبهشت ۵۷ یعنی در عرض دو سال و نیم، ۶ کودتا علیه دولت ملی کا میبوج برپا کرد که در آخرین کودتا "های سو" عضو کمیته مرکزی حزب کمونیست ویتنام نیز بین کودتاگران بود. این کودتاها نیز بخاطر هویشاری خلق و حزب کمونیست کا میبوج با شکست مفتضحانه ای مواجه شدند. از اینرو برای ویتنام و اربابان جنایتکارش ابر قدرت شوروی، راهی جز لشگرکشی وسیع به خاک

به عنوان "دولت اسرائیل" اعلام موجودیت کرد.

این کار پس از یک سری عملیات وحشیانه اشغال، سرکوب، قتل، غارت، آوارگی و در پیگیری صدها هزار فلسطینی توسط باندهای آدمکش نژادپرستان صهیونیست صورت گرفت.

خلق مبارز فلسطین و خلقهای عرب منطقه در مدت ۳۱ سال که از تاسیس دولت غیرقانونی اسرائیل میگذرد، نیز بطور مستمر مورد تجاوز و تعدی صهیونیستها که از حمایت محافل امپریالیستی برخوردار هستند قرار دارند.

در همان حال، مقاومت و مبارزه حماسه آفرین خلق عرب فلسطین علیه اشغالگران صهیونیست که از همان لحظه اول اشغال فلسطین آغاز گردید، در طی این مدت، آبی متوقف نشده و هر روز ابعاد تازه ای بخود میگیرد.

این مبارزه که پس از یک دوره اتکاء به حکومتهای عرب، سرانجام با تاسیس سازمان آزادیبخش فلسطین و در پیش گرفتن استراتژی جنگ توده ای دراز مدت و آغاز مبارزه مسلحانه توده ای علیه دشمن صهیونیستی، راه صحیح خود را یافت، اینک می رود تا با اتکاء به خود، طومار حیات اشغالگران صهیونیست را درهم نوردد.

خلق مبارز فلسطین در مبارزه برحق خود از حمایت و پشتیبانی خلقهای منطقه و نیروهای انقلابی جهان برخوردار بوده و علیرغم توطئه های امپریالیستها و بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه، مبارزه بی امان خود را علیه امپریالیسم، صهیونیسم و ارتجاع منطقه تا پیروزی نهائی نایبودی صهیونیسم و آزاد ساختن تمام خاک فلسطین ادامه خواهد داد.

سازمان انقلابی که در طول حیات خود همیشه از مبارزه بی برحق خلق فلسطین پشتیبانی نموده و در حد توان خود در این مبارزه

باسبیح ...

بودند، خوب ضربه زده اند. اما سرکوب ضد انقلابیون در چهار چوب کار دادگاههای انقلاب خلاصه نشده بلکه مقاله های وسیعتری را شامل میگردد. ما معتقدیم که سرکوب ضد انقلاب باید با درپیش گرفتن خط مشی توده ای به یک جنبش وسیع سراسر کشوری تبدیل گردد.

مشی توده ای در سرکوب ضد انقلابیون یعنی چه؟ یعنی بسیج و متشکل و آگاه ساختن توده ها و شرکت متحد نیروهای ملی در سرکوب ضد انقلاب در هر صحنه اجتماعی و برگزاری جلسات وسیع تبلیغ و آموزش و اجتماعات توده ای در هر حوزه اجتماعی (کارگاه، روستا، اداره، مدرسه و...) که در آنها شناخت و آگاهی توده های خلق از ضد انقلاب، ماهیت، تاکتیک ها و هدفهایش با لارود و تمایز قریبانیان ضد انقلاب در هر نقطه ای از مملکت به صدا درآیند و قادر باشند تا مسمی ستمهای وارد شده به خود را بیان کنند. افشاء ضد انقلابیون با پیداز طریق فیلم، نمایش عکس، تاتر و خلاصه هر وسیله دیگری به میان توده ها برده شود تا این جنبش وسیع، شدید و بی غرنج به هر حوزه ای اجتماعی کشیده شود، تا در هر شهر و روستا، در هر کارخانه و مرزعه توده ها قادر به شناسایی ضد انقلاب باشند و برای اعمال حاکمیت خلق در آن حوزه ای اجتماعی بسیج و متشکل شوند.

با اتخاذ خط مشی توده ای در سرکوب ضد انقلابیون، شور و شوق توده ها در ساختن ایرانی آباد و آزاد، مستقل و متکی بخود صد چندان میشود، آنها چون خود در سرکوب ضد انقلابیون شرکت داشته اند آگاه تر و مصمم تر میگردند، وحدتشان مستحکم تر میشود. شور و شوقشان بالا میرود و تولید رشد میکنند. حاکمیت ضد انقلاب که در اکثر نقاط کشور ریشه های عمیق دارد، تنها با مبارزه توده ای و عملی و مستقیم مردم با ضد انقلاب درهم شکسته میشود از طرف دیگر تنها توده ها قادرند تا به ضد انقلاب، محکم و دقیق ضربه زنند. توده ها، دوستان و دشمنان خویش را خوب می شناسند چرا که همین توده ها بودند که در هر گوشه این مملکت در طی ده ها سال

رنجبر

روحیه ای خلق با لامیروود و محکم و استوار در راه کسب استقلال، آزادی، و عدالت اجتماعی بجلوگام برمی دارد.

برای بهبود کار در سرکوب ضد انقلاب و خشکاندن ریشه های آن باید اصل تمایز گذاری در سرکوب ضد انقلاب را رعایت کنیم. ما نباید به همه یکسان ضربه بزنیم. نباید همه را به یک چوب برانیم. ضد انقلابیون طیفی را تشکیل میدهند از اینرو باید میان آنها تفاوت گزارد. و سر سخنان، میانها و آنان را که قاطعاً اصلاحات را زهم جدا ساخته و مجازاتهای گوناگون برای آنان در نظر گرفت. این کار علاوه بر جنبه ای عادلانه ضربه زدن، از این نظر اهمیت دارد که ضد انقلاب قادر نخواهد شد تا با سوء استفاده از عدم آگاهی اقشار عقب مانده، در میان خلق تفرقه بیندازد و آشوب بپا کند.

اصل تمایز گذاری عبارتست از: آن عده از افرادی که در دوران حکومت ننگین پهلوی مرتکب جنایات فوق العاده جدی شده اند و دستشان به خون خلق آلوده است، افرادی که عمال امپریالیستها بوده و در تاراج و غارت منابع ملی دست امپریالیسم بویژه دوا بر قدرت را با زنگار زده اند یا مرتکب جنایات بزرگ دیگری شده اند باید قاطعانه محکوم و سریعاً اعدام گردند چرا که آنها خسارات جدی به منافع ملی و خلق وارد آورده، و خواست توده های وسیع خلق چیزی جز تا بود ساختن آنان نیست.

آن افرادی که ضد انقلابیون که خون کسی را بگردن ندارند و مورد تنفر توده های وسیع خلق نمی- باشند باید زندانی شوند و مهلتی به آنان داد تا دیده شود آیا با زرد صد ضربه زدن به انقلاب و خسارت وارد آوردن به منافع ملی خواهند بود یا نه؛ اما نباید اجازه داد از پول بیت المال در زندانها فریب شوند، بلکه باید تحت نظر دولتیست در پروژه های عمرانی بکار بندنی بپردازند تا بدین وسیله گوشه کوچکی از دین خود به کشور را ادا کنند. اگر شتابزده و بدون ضابطه ای

به اعدام این دسته افراد دست بزنیم، توده های خلق لزوم اعدام آنان را نمی فهمند و ممکن است ضد انقلاب از این اوضاع در راه ایجاد

مطبوعات

دموکراتیک نیست، بلکه مسئله ای سیاسی است یعنی: آیا باید خط مشی وحدت با اکثریت میلیونی و انقلاب ضد امپریالیستی را در پیش گرفت یا اقلیتی کوچک را نمایندگی کرد، با انقلاب به مخالفت برخاست و برای فعالیتهای ضد انقلابی زمینه ایجاد کرد؟

ضد انقلاب وابسته به امپریالیسم، برای بقدرت رسیدن، همیشه افکار عمومی را آماده میکند. هم اکنون امپریالیستها، بویژه دوا بر قدرت آمریکا و روسیه در زیر پرچم کاذب "دفاع از آزادی" شدیداً مشغول توطئه اند، در میان خلق تفرقه و ناراضی نسبت به انقلاب و رهبری آن ایجاد میکنند تا قدم به قدم جنبه متحد خلق را با ایجاد شکاف و جدا کردن نیروهای آزادی و منفعل کردن بخشی دیگر، ضعیف کنند و در فرصت مناسب با ردیگر قدرت را در دست گرفته و همانند گذشته دیکتاتوری سیاه فاشیستی مشتت قلیل را بر اکثریتی عظیم ایجاد نمایند.

برای خشکاندن زمینه های بازگشت ضد انقلاب، باید آن خط مشی ها و تبلیغاتی را که بدین هدف آگاهانه یا نا آگاهانه خدمت میکنند، وسیع افشاء نمود و طرد کرد. چه این سیاستهای فرصت طلبانه چون مندرجات "آیندگان"، زمینه را برای رشد فعالیت ضد انقلاب آماده میسازد.

اما مبارزه با این سیاستهای فرصت طلبانه ای مخالف انقلاب اسلامی با دیدیک مبارزه سیاسی افشاگرانه ای توده ای باشد. مبارزه و افشاء نشریه "چلنگر" (آهنگر) که هم اکنون ۶۰۰۰۰ جریان دارد یک نمونه خوب این کار است. تنها با درپیش گرفتن چنین سبک کار سیاسی و توده ای است که میلیونها نفر به خط مشی صحیح مسلح میگردند، حقانیت امر انقلاب برایشان روشنتر میگردد و فرصت طلبان مخالف انقلاب دیگر نمیتوانند قیافه "مظلوم" بخود بگیرند و برای خود "حقانیت" بتراشند. وعده ای را گول بزنند. اگر چنین مبارزه سیاسی توده ای انجام نگیرد، آنوقت ضد انقلاب میتواند در زمینه ای که فرصت طلبان

جنایتکارش ابر قدرت شوروی، راهی جز لشکرکشی وسیع به خاک کامبوج باقی نماند. بهمین خاطر در ۱۲ آذر ۱۳۵۷ سال زمان قلبی جبهه متحد ملی برای نجات کامبوج را که متشکل از مزدوران خود بود علم کرد و در ۴ دیماه همین سال با ۱۲ لشکر از مرز ویتنام و مرز لاوس به خاک کامبوج تها و زنمود. ویتنامیهای تها و زگرتا مدت‌های طولانی شرکت در این جنگ را نفی مینمودند و آنرا مبارزه "جبهه" متحد ملی برای نجات کامبوج" بر علیه دولت کامبوج میخواندند. اما اکنون مجبور شده‌اند تا به لشکرکشی خود اعتراف کنند. چرا که خلق قهرمان کامبوج برهبری حزب کمونیست آن با انجام جنگ پارتیزانی توده‌ای ضربات سختی را به ارتش تها و زگر ویتنام وارد کرده، کشته‌های ارتش ویتنام به بیش از پنجاه هزار نفر رسیده و رژیم ویتنام مجبور به ارسال صد هزار نفر دیگر برای سرکوب مبارزات این خلق قهرمان شده است.

شکست ویتنام در این جنگ تها و زکارانه که در چهارچوب استراتژی توسعه طلبی ابر قدرت شوروی صورت گرفته، حتمی است. خلق قهرمان کامبوج تحت رهبری حزب کمونیست آن و در رأس رفیق پلپت مطمئنا با تکیه به نیروی خود قادر خواهند شد در طی یک جنگ طولانی پوزه ایمن تها و زگران را بمانند متجاوزین قبلی یعنی امپریالیسم آمریکا به خاک بمالند و استقلال کشورشان را بار دیگر بدست آورد.

فلسطین: سی سال مقاومت

۱۵ مه ۱۹۴۸ در تاریخ خلقهای مبارز خاورمیانه و بویژه خلق عرب فلسطین، برای همیشه به عنوان یک نقطه سیاه باقی خواهد ماند. در این روز بدنبال یک توطئه مستمر که از طرف محافل امپریالیستی غرب علیه خلقهای این منطقه طراحی و اجرا شده بود، فلسطین اشغالی توسط صهیونیسم جهانی

حق خلق فلسطین پشتیبانی نموده و در حد توان خود در این مبارزه شرکت داشته است، همچنان در کنار برادران فلسطینی خود تا پیروزی نهائی گام برخواهد داشت.

سرنگونی میگهای روسی در افغانستان

خبرگزاری پارس - ۵۸/۲/۲۳

خبرگزاری فرانسه گزارش داد که سازمان اسلامی افغانستان به رهبری سعید احمد گیلانی طی بیانیهای اعلام کرده است که شورشیان مسلمان افغانستان سه هواپیمای میگ ساخت شوروی را در استان پاکتیا در شرق افغانستان، سرنگون ساخته‌اند. در این بیانیه اضافه شده است که یکی از خلبانان نیز بدست انقلابیون دستگیر شده. این خبر گزار میافزاید که در صورت تایید این خبر، نخستین بار است که شورشیان افغانستان موفق می‌شوند هواپیماهایی را که برای بمباران آنها اعزام می‌شوند سرنگون سازند.

آقای برژینسکی و استقلال ایران

برژینسکی (مشاور امنیتیی کارتر رئیس جمهور آمریکا) در مصاحبه‌ای ضمن اعلام اینکه آمریکا به شاه بعنوان دوست نزدیک نگاه می‌کرده و میکند، عوام فریبانه اظهار داشته که: "ایران هنوز با برجاست، این کشور دولت تازه‌ای دارد و نظام سیاسی تازه‌ای، ما منافع مشترکی داریم، از جمله حفظ استقلال ایران." آیا این حرفها کسی را می‌فرباید؟ بروشنی خیر، چه امپریالیسم بنا بر ماهیتش تها و زگروضا استقلال ملل ستم دیده است و از این رو دائماً حرفهای فریبنده‌اش با اعمالش در تضاد قرار میگیرند، مثلاً در همان

چرا که همین توده‌ها بودند که در هر گوشه این مملکت در طی ده‌ها سال حکومت ارتجاعی و امپریالیسم قریب‌نیا ن ضد انقلاب بودند. توده‌ها دست‌هایی را که دسترنج آنان را بفارت میبرد خوب میشناختند. آنها عا ملین اجرای سیاستهای ضد خلقی پهلوی را خوب میشناختند. قاتلین و شکنجه‌گران فرزندان خویش را خوب بیاد دارند و درست بهمین دلیل چشمان مردم درست می بیند. آنها قادرند به ضد انقلاب به بهترین وجهی ضربه زنند و انتقام سالهای سال زندگی نکبت‌بار را پس بگیرند.

وقتی که خط مشی توده‌ای در سرکوب ضد انقلابیون اعمال شود و هنگامی که مردم در سرکوب ضد انقلاب نقش عمده را بازی کنند یک شکوفائی بزرگ انقلابی در خلق پدید می‌آید، با دینخوت دشمن می‌خواهد. مردم بیشتر و بیشتر ایتکار عمل را بدست میگیرند و دیگر لانه‌ای برای پنهان شدن ضد انقلاب باقی نمی‌ماند.

هفته‌ای که آقای برژینسکی این چنین "استقلال خواه" شده بود، ترنر" رئیس سازمان جاسوسی آمریکا، "سیا"، اعلام کرد که "سیا" سازماندهی مجدد شده و برای عملیات جاسوسی خود در کشورهای دیگر آماده است و مستقلاً عمل میکند و جز موازدمهم مانند کودتا در دیگر کشورها، احتیاجی به گرفتن اجازه از رئیس جمهور آمریکا ندارد.

مردم مادم خروس آقای ترنر را می بینند و قسم‌های برژینسکی در مورد احترام به استقلال کشورمان را باور نمی‌کنند. مردم ایران سالها توطئه‌های ننگین "سیا" و "ساواک" و "موساد" (سازمان جاسوسی اسرائیل) را در دوران قبل از انقلاب دیده‌و هم اکنون نیز بطور روزمره شاهد توطئه‌های جنایتکارانه ایمن سازمانهای جهانی علیه انقلاب اسلامی کشورمان میباشند. آنها هوشیارند و با قرص‌های مسکن آقای برژینسکی به خواب نخواهند رفت.



آنان را نمی فهمند و ممکن است ضد انقلاب از این اوضاع در راه ایجاد اغتشاش و آشوب بهره برداری کند. دسته آخر کسانی اند که جرائم کوچکی را مرتکب شده و قادر به اصلاح خویش هستند، این دسته از افراد عموماً مجبور به اطاعت از اعمال رژیم سابق و دستگاههای نظامی و سیاسی و جاسوسی آن بوده‌اند و علیرغم خواست خویش با اجبار در سرکوب انقلاب شرکت داشته‌اند. باید بین این دسته و گروههای بالا تما یزاساسی قائل شویم، آنها باید در محل زندگی و کار خود تحت نظارت خلق قرار گیرند و به آنان آموزش داده و کمک شود تا از اشتباهات گذشته‌ی خویش بیاموزند و بصورت نیروئی مادی و معنوی در ساختمان ایرانی مستقل و متکسی بخود درآیند.

ما معتقدیم این اصول و سیاستها را من کسب پیروزی‌های بیشتر در سرکوب ضد انقلاب است و رعایت اصول بالا و با تحقق خط مشی توده‌ای در این کار سرکوب ضد انقلابیون بطور وسیع به پیش رفته و تعمیق خواهد یافت.

راهیمائی

- ۱) باز پس دادن تمام زمینها که مالکین در دوره با صطلاح املاجات ارضی و بعد از آن با زور و مدرک سازی از کشاورزان غصب کرده اند.
- ۲) فسخ آراء صادره دادگستری قائم شهر که بنفع مالکان زورگو و متنفذ صادر گردیده.
- ۳) مجازات فوری مالکان توطئه گر و فاسد چون غلامعلی جهانیان، حسین عبداللهی، احمد قبادی رحیم عزتی، علی حقیقی، محسن کروندی و سید حسین حسینی که کرا را و بشکلهای گوناگون امنیت و آسایش را از کشاورزان سلب کرده‌اند.
- ۴) برکناری سعادت تشکری، رضائی یقضا دادگستری قائم شهر که طرفدار مالکان شرورمی-باشند.
- ۵) ما خواهان حمایت کامل دولت از حقوق کشاورزان و دادن امکانات کشاورزی و عمرانی مثل

نگیرد، آنوقت ضد انقلاب میتواند در زمینهای که فرصت طلبان (آگاهانه یا ناآگاهانه) برای خود نیرو آماده کرده‌اند) برای خود در طی جمع کند، و چون حقانیت امردر طی یک مبارزه افشاگرانه برای میلیونها نفر روشن نشده است، میتواند عا صرنا آگاه و عقب مانده را بسوی خود جلب کرده و انقلاب را تضعیف نماید.

در آخر باید گفت که حساب کارگران، کارمندان صدیق "آیندگان" از مسئله خط مشی سیاسی این نشریه جداست و مبارزه با نیروی افشاء خط مشی سیاسی اینگونه نشریات متمرکز باشد و از حملات شخصی به افراد بویژه زحمتکشان قویا خودداری شود.

نویسندگان آزادخواه باید به آموزش از دستاوردهای خلق و انقلاب اسلامی ایران بپردازند، در برخورد به آن روی جوانب مثبت انگشت بگذارند و دستاوردها را تبلیغ نمایند، در نشان دادن کمبودها و جوانب منفی باید از موضع سازندگی حرکت نمایند؛ با اکثریت که امروزه دارای موضع ضد امپریالیستی و مین پرستی است متحد شوند و انقلاب را هم دوش مردم به جلوسوق دهند.

گود، بذر، و وام هستیم تا بتوانیم از زیر نفوذ مالکان ربا خوارهایی پیدا کنیم و بنفع شایسته‌ای از زمینهای خود استفاده کرده و به این وسیله احتیاجات کشاورزی مملکت خود را تامین نمائیم و نگذاریم وطن عزیزمان محتاج بیگانگان باشد و درین رهگذر پاسخ به ندای زعیم عالیقدر، رهبر انقلاب ایران، امام خمینی و دولت ملی مهندس بازرگان ادا ی وظیفه نموده باشیم.

با تقدیم احترامات روستائیان منطقه کبا کلا امضای حدود ۱۵۰ نفر



سالگرد شهادت دکتر شریعتی

از یکشنبه ۱۳ اردیبهشت ماه ، هفته بزرگداشت دکتر علی شریعتی بمناسبت فرارسیدن دومیست سالگرد شهادت او آغاز شد .

دکتر علی شریعتی ، استاد شهید ، بیگمان نقش بسیار بزرگی در آگاه نمودن جوانان و بسیج کردن آنان برای انقلاب اسلامی داشته است . وی در بازشناساندن اسلام واقعی و مبارز کوشش فراوان کرد ، لزوم اتکاء به نیروهای خودی و حفظ سنتهای اصیل ملی و اسلامی را همواره یادآوری میکرد و نقش امپریالیسم و جهانخواهان را در تخریب فرهنگ ، سنت و شخصیتهای قومی و ملی افشاء مینمود .

انقلاب ما نشان داد که نفوذ شریعتی تا چه حد بوده و تا چه میزان قلوب جوانان را تسخیر کرده است . او اگر چه در شکوفایی این انقلاب شرکت نداشت اما حضورش در همه راه پیمانیها حس میشد و نام او دهان به دهان میگشت . کلمات آتشین او در همه

جا زینت پلاکات ها بود ، سرودها برایش سرودند و با انواع شیوهها یاد او راه او را زنده نگاه داشتند . استقامت و سرسختی در مبارزه ، از خصوصیات برجسته شریعتی بود . او ثابت کرد که میتوان در همه حال مبارزه کرد و تسلیم نشد .

خدمات گرانبهای او در تمایز گذاری بین اسلام واقعی و ارتجاع که تحت پوشش اسلام کار میکنند پر ارج و ماندنی است .

سخنان پرشور او در حسینیه ارشاد و در هر جای دیگر با استقبال و هجوم جوانان مواجه میشد و تا آن روز چنین علاقهای برای شنیدن سخنرانیهای اسلامی ، از جانب جوانان دیده نشده بود ، چه او اسلام مبارز ضد امپریالیست را نمایندگی میکرد . شهادت این آموزگار بزرگ و مبارز راه اسلام را به عموم هموطنانی که در شوگ او نشسته اند تسلیت میگویم و بر راستی در این بهار آزادی جای شریعتی خالی است .

“اگر استقلال نباشد همه حرفها مفت است”

جمهوری اسلامی بنا بر این نچه که از لحاظ من اساسی است یعنی آزادی و استقلال که اساس این جمهوری اسلامی را تشکیل میدهد . مردم ما کما ملاروشن اند ، میخواهند یک مملکتی داشته باشند خارج از سلطه روس و آمریکا و هر قدر قدرت دیگری . آقای بنی صدر در جای دیگری از مصاحبه اش میگوید : ... اگر استقلال نباشد حرفها مفت است . وقتی آمریکا بر ما مسلط باشد ، اسلام بی اسلام ، چه اسلامی ؟ ... انتخاب جامعه روشن است . جمهوری میخواهد که آزادی و استقلال برای مملکت به ارمغان میآورد و این راهم در اسلام میبیند و این تمام است .

یکی از مسایل عمده و کلیدی جنبش ما ، استقلال کامل ایران از سلطه هر بیگانه ای بویژه امپریالیسم قدرتهای آمریکا و روس است . وجود آزادی واقعی تنها زمانی ممکن است که استقلال کشور تضمین شده باشد . اگر چه نبودن آزادی نیز خود موجب تضعیف استقلال و بر نتیجه بسمت وابستگی رفتن خواهد بود . آقای بنی صدر در مصاحبه ای که در کیهان دوشنبه ۱۰ اردیبهشت درج شده بدرستی این نقطه نظر را مطرح ساخته . وی میگوید “جمهوری اسلامی برای مردم ، آشکار است . به این دلیل که شعار روشنی دادند ، استقلال ، آزادی ،

شکایت دهقانان بر علیه مالکان و قضات سابق دادگستری یاد در نظر

موسی خیابانی : “باید مرز را حفظ کرد”

با ادامه ی انقلاب ، حقایق عریان تر و مرز میان دوست و دشمن و درست و نادرست روشنتر میگردد . از این جمله است تفاهوت گذاری میان مارکسیسم واقعی و فرصت طلبی سیاسی که نقاب مارکسیسم بر چهره کشیده است . رشد تمایز گذاری میان ایندو را مثلاً در موضع گیری یکی از رهبران سازمان مجاهدین خلق ایران موسی خیابانی مشاهده میکنیم . او در مراسمی که بخاطر بزرگداشت شهادت مجید شریف واقفی برپا شده بود ، اظهار داشت :

“امروز هم - در ۱۶ اردیبهشت به خاطر بزرگداشت شهیدی دیگر از شهدای سازمان مجاهدین خلق در اینجا گردآمده ایم ، شهیدی که در میان شهدا ، خصوصیتی ویژه دارد . خصوصیتی که او را از سایر شهدا متمایز میکند : در حالی که شهدای دیگر بدست دشمن - رژیم - یلادر میدان های نبرد ، در زیر شکنجه به شهادت می رسیدند ، شهید “شریف واقفی” به دست منحرفین و اپورتونیستها ، بدست کسانی که تا دیروز هم رزم و همراهش بودند و ادعای انقلابی بودن داشتند شهید شد . او در سخنانش اضافه میکند : “ما بین مارکسیستها و

اپورتونیستها تفاهوت قابل هستیم بگذار ما را متهم کنند ، چه باک از گفتن حقایقی که ذهن و با مردم را از زگرایش به انحراف بازمیدارد .

خیابانی ادامه میدهد : “باید مرز را حفظ کرد . آیا چون اپورتونیستها بعنوان مارکسیست به ما خنجر زدند با یدهمه ی مارکسیستها را به یک چوب برانیم ؟ نه !”

ما معتقدیم که با رشد مبارزه ملی و طبقاتی ، خلق و نیروهای سیاسی آن قادر خواهند شد به تمام یزگزارانی اساسی تر بدست یابند و آن تفاهوت گذاری میان مارکسیسم مستقل و متکی به توده های خلق میهنمان و “مارکسیسم” قلابی وابسته به امپریالیسم روس ، چون دارودسته کیا نوری است . این تفاهوت گذاری از نظر ما با یدبخش جدانایذیری از مضمون خط مشی سیاسی همه گروهها و سازمانهای خلقی و ملی باشد . شرط موفقیت در پیش بردن مبارزه واقعی ضد امپریالیستی است و تضمینی است تا مبارزه ی ما علیه امپریالیسم آمریکا مورد سوء استفاده عناصرونیروهای وابسته به امپریالیسم روسیه قرار نگیرد و پیروزمندان به پیش رود .

چلنگر

ویا آفتاب به دارینگه دنیا ست
بروای پیشوا اطوار کم کن
بساط خود در آمریکا کن
“چلنگر” شماره ۱۲۲
دوشنبه ۱۲۹ اردیبهشت ۱۳۳۱

وهنگامی که دکتر محمد مصدق در زمان محاصره اقتصادی ایران و اوج جنبش با زملت درخواست خرید برگ قرضه ی ملی میکنند غمگینم شویم چلنگر با زبه هوا می رود و در پاسخ دعوت مصدق میگوید :
اولا هیچکس نداد رد پول
تا کنند از تو برگ قبضه قبول
ثانیا تا شدی مصدر کار
سرسپردی به آستان دلار

بدان اشک و غمت سودی ندارد . دوره جدید فعالیت “چلنگر” همراه با آغا ز دوره ی جدید فعالیت دارودسته کیا نوری است . “آهنگر” امروز هم ، مانند سلف خیانتکار خویش همان نقش را بازی کرده و میکند ، یعنی ضربه زدن به دولت ملی و تخریب در مبارزه ضد امپریالیستی خلق .

دوره ی جدید فعالیتها ی ضد ملی “چلنگر” با خشم و نفرت روز افزون مردم میهن پرستان ما مواجه شده است و ناگهان هنگامی که توده های مردم با تشخیص خیانت جدید و ماهیت دکهای جدید که به “آهنگر” تغییر نام داده است ،

پیام حضرت

آیت الله شریعتمداری

حضرت آیت الله شریعتمداری در پیام خود به کنفرانس اسلامی فاس که هفته گذشته در مراکش تشکیل گردید ، ضمن دفاع از خلق فلسطین و ساکنین جنوب لبنان ، با ردیگر به مسئله افغانستان اشاره کردند .

ایشان در پیام خود به کنفرانس با تشویش و اندک موضوع مسلمانان سوسیالیست و متفکرین اسلامی و دانشجویان افغانی که دسته دسته به خاک و خون کشیده میشوند یا آواره میگرددند و یا راههای سیاه جاهلای زندان میشوند و برای نمونه با یدگفت که بخاک و خون کشیدن مردم هرات که چندی پیش از طرف حکومت افغانستان صورت گرفت ، با ردیگر خاطره ی “دیربایسن” را در دل ها زنده کرد .

این پیام با ردیگر بیابانگر همبستگی مردم ایران و خلقهای مبارز افغانستان است .

مردم ایران بدرستی نسبت به سرنوشت خلقهای برادر افغان حساسیت دارند و خود را با مبارزه ملی آنان علیه امپریالیستهای شوروی و رژیم وابسته تره گسی ، همبسته میدانند . رژیم وابسته به روس تره کی با سرکوب خلق و حمله به انقلاب اسلامی ایران تنها همبستگی میان دو خلق را مستحکم میکنند و مرگ خود را بجلومیا ندادند .

مینویسد : “نام محمد علی افراشته عضو حزب توده ی ایران که تا واپسین دم به آرمانهای خلقی و طبقاتی حزب خود وفا دار ماند ... و بعد ادامه میدهد : “روزنامه “چلنگر” اودست به دست میگشت و همه کس مجذوب صراحت و صداقت این گیله مرد توده ای و شیوه ی خلقی و زنده ی کار و خلاقیت او میشد . واگر کسی شک دارد که “آهنگر” همان “چلنگر” است پیشنهاد میکنیم به اولین شماره ی دومین دوره ی خیانت ، یعنی شماره اول دوشنبه ۲۷ فروردین ۱۳۵۸ رجوع کند که نوشت :

آدمم تا به روزگار جدید

ابتدا تصورات نادرستی موجود بود که شاید این راهپیمایی دهقانی چیزی شبیه جریان گنبد میتواند باشد که با دادن شعارهای مشخص در پشتیبانی از دولت موقت و رهبری امام خمینی و مواضع روشن انقلابی دهقانان، این سوء تفاهات برطرف شود و مردم را هم از طرف مردم شهر پشتیبانی شود. خصوصا اینکه بعضی از دختران و زنان شهری برای شرکت کنندگان زن مواد غذایی ویتو آورده بودند تا در هنگام نشستن روی زمین از آن استفاده بشود و با زنان روستائی به گفتگو بنشینند.

در این راهپیمایی علاوه بر شعارهای عمومی در رابطه با پشتیبانی از انقلاب و رهبری امام خمینی، شعارهایی از طسرف دهقانان که روی پارچه بزرگی نوشته شده بود حمل میشد. از آن جمله:

- (۱) زمین از آن کسی است که در آن کار میکند.
 - (۲) دهقان بدون زمین نمیتواند استقلال کشاورزی ایران را تأمین نماید.
- راهپیمایان بعد از نیم ساعت راهپیمایی بجلوی فرمانداری شهر رسیدند و خواستار شدند که فرماندار به مسائل و خواسته های آنها رسیدگی کرده و در این زمینه صحبت کند. در ابتدا فرماندار برای اینکه این راهپیمایی را جدی تلقی نکند، به بهانه اینکه مشغول تماس تلفنی با تهران جهت رسیدگی باین مسأله است و یکا گفتن اینکه از هر ده دو نماینده بیایند، از صحبت با دهقانان شانه خالی میکرد تا بشکلی در مقابل دهقانان ظاهر نشود و مسأله را بی اهمیت جلوه دهد. اما دهقانان با شعارهای خود خواستار آمدن فرماندار در بین دهقانان و تماس او با روستائیان شدند و بدین ترتیب آقای فرماندار را مجبور کردند که از ساختمان فرمانداری پائین بیاید و برای کشاورزان چند کلمه ای صحبت نماید. در این صحبت او قول داد که به

شکایت دهقانان بر علیه مالکان و قضاات سابق دادگستری با در نظر گرفتن جانب حق رسیدگی نماید و حاضر شد که در روز بعد با تمام نمایندگان دهقانان جلسهای ترتیب دهد، تا مسائل مربوطه را بررسی و حل نماید و نیز قول داد که هیچگونه رأی صادره از جانب دادگستری تا قبل از رسیدگی کامل آن به مورد اجرا در نیاید. این برخورد فرماندار نمونه ای از اثرات مبارزه دهقانان بود که مقامات دولتی از جمله فرماندار را وادار کرده تا خواست دهقانان را جدی تر بررسی کنند. جدی تر نه تنها از نظر رشدنا رضایتی دهقانان و نتایج ناگوار آن، بلکه همچنین از نظر اهمیت که حاصل مسأله دهقانان برای رشد اقتصادی و کشاورزی، جهت تأمین احتیاجات غذایی و بی نیازی از بیگانگان دارد.

این راهپیمایی گرچه از نظر تعداد جمعیت شرکت کننده کم بود ولی با نظم خوبی اداره شد و دارای اهمیت زیادی بود. جوانب مثبت آن عبارت بود از اینکه این راهپیمایی در نهایت نظم انجام گرفت. دهقانان متشکل شدند و برای اولین بار مبارزه شان را به شهر آوردند و زنان در آن شرکت فعالی داشتند. این مبارزه باعث بالابردن هوشیاری دستگاه دولتی در زمینه لزوم حمایت از دهقانان در برابر مالکان غارتگرشورور گردید. البته راهپیمایی دارای کمبودهایی نیز بود. مثلاً، دهقانان آنطوریکه قبلا گفته میشد در آن شرکت وسیع نداشتند و در مواردی هم کمی بی تفاوتی نشان داده بودند.

در آخر راهپیمایی دهقانان قطعنامه ای را که از طرف نماینده آنها خوانده شد تصویب کردند. متن این قطعنامه بقرا زیر است. بنام خدا
قائم شهر ۵۸/۲/۲۲
ما کشاورزان روستاهای دینه شهر، تنبلا، مولاک، پائین دسته، بالادسته، بر شیر، پهلوچی، کلوبن، فوتن اولیا، سید محله، سوخت، آبندان، بخارکلا، شلیمان، سیدکلا، کوهکنده، لشگر

ثانیا تا شدی مصدر کار سرسپردی به آستان دلار بنده ای خاص ینگه دنیائی خصم سرسخت ملت مائی (چلنگر) شما ره مخصوص ۱۵۳ دوشنبه ۱۹ اسفند ۱۳۳۰) یاد شما ره ی ۱۲۴، دوشنبه ۵ خرداد ۱۳۳۱ می نویسد:
ای مصدق طبل را قایم بزن بهر اربابان خوددایم بزن مرگ برجیره خواران اجنبی از اذان صبح تا نصف شبی مرگ و نفرین فراوان تا ابد بر مصدق دولت زیرشمد و در شما ره ۱۹ پنجمشبه ۱۸ اردیبهشت ۱۳۳۱ بیشتر نامه مینویسد:
بدان ملت ترا خائن شمارد

چید و میت دنی جدید است، "آهنگر" تغییر نام داده است، "آهنگر" حزب توده را تحریک میکند، دبیرخانه مرکزی حزب توده ایران در جهت منحرف کردن خشم و غضب مردم، روزیکشنبه ۲۳ اردیبهشت ۵۸ اطلاعیه ای بیرون میدهد به این مضمون: "روزنامه "آهنگر" هیچگونه ارتباطی با حزب توده ندارد و موشی سیاسی آن آشکارا مخالف با مشی سیاسی حزب توده است."
اگر کسی شک دارد که رابطه "آهنگر" و "چلنگر" با رهبری حزب توده چه بوده و هست پیشنهاد میکنیم به مردم شماره ۱۲ (۲۲ اردیبهشت ۵۸) رجوع کند، که

اعلامیه

کلا، از توابع کیا کلا (قائم شهر) در این مکان گرد آمدیم تا اعتراض خود را نسبت به رأی صادره از سوی دادگستری شهرستان قائم شهر به نفع مالکان متجاوزان برآوردیم. ما بدین وسیله با اطلاع دولت و تمام مراجع عالیقدر میرسانیم زمینها، ملک آب و اجزای ما بوده و هست. پدران ما نسل اندر نسل روی این ده زحمت کشیده و عرق ریخته اند اما، در دوره با اصلاح اصلاحات ارضی طاغوت ملعون و بعد از آن مالکین زورگو و صاحب نفوذ با پشتیبانی ژاندارمها و با حقه بازی و مددکاری زمینها و مراتع آبادی را بزور غصب کردند که ما کشاورزان در زمان طاغوت با مبارزه مرگ و زندگی این زمینها و مراتع خود را که بصورت نصفه کار روی آن کار میکردیم، از دست مالکان قلدر و ربا خوار با زپس گرفتیم و کشت کرده ایم که هم اکنون در حال دروی کشت محصول پائیزه میباشیم. اما متاسفانه میبینیم قضات دادگستری قائم شهر برخلاف شعار و قانون خدا و خلق که زمین را متعلق به کسی میدانند که روی آن عرق میریزد، رأی صادر کرده و بمالک ربا خوار رأی میدهد. ما ایمن رأی را باطل دانسته اعلام میکنیم که هیچ عنوان از زمینهایی که روی آن زحمت کشیده ایم و از آن روزی میخوریم دست نمیکشیم

خود کشاورزان را تهدید به هتک بنا موس نموده به تخریب خانه ها، تصرف زمینها و مراتع دهقانان و خریدن احشام آنان به نصف قیمت دست زده و با اعمال زور و فشار در صدور گرفتن بهره مالکانه از سال ۴۱ به بعد و بیگاری از مردان و زنان کشاورزان را به مختلف بوده اند. دهقانان رانده شده این آبادیها که با زنان و بچه های خود در دیوان دره آواره گشته اند خواهستهای خود را بدین صورت اعلام مینمایند:
۱- برقراری امنیت روستاها، که این امر بدون برجیده شدن کمیته های عشایری و خلع سلاح اربابان و مرتجعینی که در رابطه با "قیاده موقت"، پالیزبان و اویسی هستند و بوجود آمدن امنیت در مرزها امکان پذیر نخواهد بود.
۲- برگشت دادن کشاورزان رانده شده و تأمین خسارات وارده از طرف مالکین.
۳- پس دادن زمینهای غصب شده کشاورزان که بوسیله مالکین تصرف شده است.
سازمان مارکسیست-لنینیستی ما که همواره پشتیبان مبارزات و منافع زحمتکشان بویژه کارگران و دهقانان بوده است، پشتیبانی قاطع خود را از خواستهای بحق و عادلانه دهقانان منطقه دیوان دره - اعلام مینماید و از دولت موقت و کلیه نیروهای انقلابی قاطعانه میخواهد متحداً هر چه زودتر به رفع مشکلات دهقانان و حل مسائل آنها و سرکوبی اربابان و عوامل ساواک و قیاده موقت که اعمال و تحریکاتشان استقلال ایران را تهدید میکند پرداخته و قاطعانه عمل نمایند.
از امر عادلانه دهقانان دفاع نمائیم! اعمال ضد انقلابی اربابان و عوامل ساواک و قیاده موقت را محکوم کنیم! حل مسئله دهقانان، استقلال ایران را تحکیم میکند.
سازمان انقلابی- بخش کردستان
۵۸/۲/۲۲

آدمم تا به روزگار جدید روزگار تلاش و بیم و امید بهر ایچاد کشوری آزاد باشم همراهتان میارک باد آدمم تا ز تو چلنگر را منتشر سازم از برای شما "آهنگر" آینه ایست که بدرستی ماهیت واقعی دارودسته رهبری حزب توده را منعکس میسازد و بدین خاطر است که مردم از دارودسته کیا نوری، این عاملین سوسیال-امپریالیسم شوروی و خائنین به منافع ملی و آنچه نمایندگی میکند متنفرند و ورق پاره های آنان سرنوشتی جز تحریم و جایی جز زیاده دانی ندارند.

و دیگر نمیخواهیم جیره خوار اربابان باشیم. دیگر برای ما کشاورزان ننگ است که بعد از اینهمه خون دادنها و شهادتها که

به رهبری امام خمینی صورت گرفته تن بزور بدهیم. ما خواسته های خود را بشرح زیر اعلام میداریم: بقیه در صفحه دوم

قرارداد "دوستی"

نشریه مردم (ارگان دارودسته کیا نوری) در شماره ۱۲ خود موقعیت را مناسب دیده و با چرب زبانی تمام در مورد اینکه "سیاست صلح و دوستی با همسایگان بسودا استقلال ایران است"، قلمفرسائی میکند، که البته منظور از "همسایگان" یکی است و دوتا نیست و آنهم همان رباب "مقدس" روسی شان است.

مردم چون کارگزاری صدیق، در حالیکه قرارداد های نظا می رژیم سابق با آمریکا را مورد نکوهش قرار میدهد، لغو سریع آنان را خواستار است و قسم به استقلال کشور می خورد، اما فوراً دم خروس رانمایان میسازد و نا شیانه و بلافاصله مشتری مناسب تری را عرضه کرده و خواهان عقد قرارداد "دوستی" میان ایران با امپریالیسم روسیه میشود.

ماهیت واقعی این اصطلاح "قراردادهای دوستی" شوروی با سایر کشورها چیست؟ مثلاً در نتیجه یک چنین قراردادهای "دوستی" است که هم اکنون هواپیما های میگ روسی مشغول بمباران و کشتار خلیقهای مبارز افغانستان هستند، در نتیجه همین قراردادهاست که رزمناوهای جنگی روسیه ارتش آزادیبخش و خلق قهرمان اریتره را در زیر توپ های سنگین خود گرفتند و تا بحال صدها مبارز اریتره ای را کشتار کرده اند.

نه، خلق ما به این نوع "دوستی" با خرس شمالی و قراردادهایش احتیاج ندارد.

خلیقهای میهن ما دهها سال علیه قراردادهای اسارت بار میان ایران و دول امپریالیستی مبارزه کرده و اکنون که پیروز شده اند بهیچوجه زیر بار یک قرارداد سنگین و اسارت بار دیگر با امپریالیست نوخاسته دیگری نخواهند رفت.

اصول قانون...

امپریالیسم و عمال آنها، سرمایه داران وابسته به امپریالیسم و بقایای فئودالیسم مبارزه کرد. از اینروست که ما معتقدیم: ۱- بخاطر اینکه قانون اساسی بتواند در خدمت حفظ منافع همه اقشار و طبقات خلقی باشد

مدافعین امپریالیسم روسیه

بخود کارگران و مردم ما قرار دارد، برای اینکه خود را در جبهه ی خلق جا بزنند و مبارزه مردم را به نفع اربابان روسی خود منحرف کنند، مجبور است تا موضع و مرزبندی جنبش علیه امپریالیسم روسیه را مخدوش کنند تا زمینه ای برای فعالیت های ضد ملی اش در میان خلق بوجود آید.

بدین خاطر است که با این شعار وارد میدان میشود که هر آنچه ضد روسی است حتماً آمریکائی است تا خلق را فریب بدهد و وی را مرعوب نماید. اما دشنام گوئی به کارگران و مردم ضد امپریالیست در آنها را دوا نخواهد کرد. چه، خلق عمیقاً از وابستگی به بیگانگان متغفراًست و تلاشهای این دارودسته در تضاد کامل با خواستها و تجربیتهای میلیونها نفر از هم میهنان قرار دارد که یک انقلاب بزرگ ملی، متکی بخود و ضد امپریالیستی را پشت سر گذاشته اند. دشنام گوئی آنان به جنبش کسی را نمی فریبند، تنها خود آنها را منفرد تر میکنند و خلق، مسرر روشن تری با ضد خلق وابسته به بیگانگان میکشد.

کارگران

مبارزات کارگران

کارگران معدن سولفات تهران کمیکال در مراحل اولیه انقلاب بعلمت نداشتن شکل و نیی ز دوری نسبی از مراکز تجمع کارگران مبارزات چندانی نداشتند، آنان تنها یک بار دست به اعتصاب زدند که آنهم چند ساعت بیشتر طول نکشید و بعد از اینکه تعدادی از آنان از کارفرما اضافه حقوقی دریافت کردند اعتصاب خاتمه یافت. اما بعد از اینکه کارگران بتدریج با کارگران کارخانه های دیگر تماس یافته و از خواستهای آنها با خبر شدند اینان نیز با بجا گذاشته و خواستهای خویشتن را عنوان کردند. وقتی انقلاب ایران با وجود رسیدن متخصصین آمریکائی که رشته های همه کارها را بدست داشتند از ایران گریختند و احمد لاجوردی صاحب معدن و کارخانه نیز

نگاهی به کارگاههای کوچک

یکی از ویژگیهای صنعتی کشور ما وجود تعداد بسیار زیادی کارگاههای کوچک صنعتی است. این کارگاهها بخش بزرگی از کارکنان صنعتی میهن ما را در بر گرفته اند و قسمت عظیمی از صنایع ما را تشکیل میدهند. در حال حاضر مطابق با آمار موجود دولتی در مقابل حدود ۷۰۰۰ کارگاه و کارخانه ی بزرگ صنعتی کشور، در حدود ۲۰۰۰۰ کارگاه کوچک صنعتی شهری و متجاوزاً ۵۰۰۰۰۰ کارگاه نساجی روستائی وجود دارند. بر اساس همین آمار در مقابل ۴۰۰ هزار نفر که در کارگاهها و کارخانه های بزرگ شهری مشغول بکارند (بغیر از کارگران صنعت نفت، کارگران معادن و کارگران ساختمان) متجاوزاً ۶۰۰۰۰۰ نفر در کارگاههای کوچک شهری بکار تولیدی مشغولند. از ویژگیهای کار این کارگاهها بالابودن سطح کارایی کارگران است و دیگر اینکه بعلمت کوچکی کارگاهها کار خودکار فرمایان و کارکنان فامیلی بدون مزد آنها نیز نقش بزرگی بعهده دارد.

۲- تعمیرگاه مکانیکی مساحت کارگاه ۴۰۰ متر، تعداد کارگران ۱۲ نفر با ضافه یک نفر دفتر دار و فرود شده ی لوازم یدکی اتومبیل. دو نفر هم کمیسیون کار میکنند یعنی اجرت کار، یک نفر تومانی ۳/۵ ریال (۳۵ درصد) و دیگری ۵/۵ ریال (۵۵ درصد) دریافت میکنند.

تعمیرگاه رو با زا ست و کارگران در تابستان زیر آفتاب و در زمستان در برف و باران کار میکنند. درآمد کارگاه بابت کار و فروش قطعات یدکی کهنه و نو در حدود ۸ هزار تومان در ماه است. این البته بعد از پرداخت مزد کارگران، پرداخت مالیات، بیمه، پول آب و برق - یعنی خرج در رفته است.

حیدر کارگری است ۱۶ ساله که از ۸ صبح تا ۶ یا ۷ بعد از ظهر در این کارگاه کار میکند. مزد او هفته ای ۱۲۰ تومان است و با برادرش که کارگری ۱۸ ساله است در اطاقی در جنوب شهر زندگی میکنند و ماهی ۴۰۰ تومان پول اجاره ای این اطاق را میپردازند. وقتی از وضع کار روزندگیش میپرسم معلوم میشود که بیمه نیست، حق سرویس نمیگیرد و هیچ گونه مزایای دیگری هم با او پرداخت نمیشود، تازه لباس کار را هم خودش مجبور است تهیه کند. حیدر سواد ندارد ولی بسیار تیزهوش و کنجکار است.

بتوانند در خدمت حفظ منافع همه اقشار و طبقات خلقی باشد و به حل تضاد عمده‌ها معما یعنی تضاد خلقهای میهنمان با استعمار و امپریالیسم خدمت کند، این قانون باید در درجه اول و بیش از هر چیز دیگر، دارای ماهیت ضد استعماری و ضد امپریالیستی باشد. نه تنها باید به نفوذ کنونی امپریالیسم در کشورمان خاتمه داد و ریشه‌های کلیه امپریالیستها و چپا و لگران بین‌المللی، بخصوص آمریکا و روسیه را از ایران قطع کرد، بلکه باید از طریق قانون اساسی جدید نیز جلوی هرگونه نفوذ مجدد، بستن هرگونه قرارداد اساسی را رد کرد و هر نوع وابستگی سیاسی، اقتصادی، نظامی و فرهنگی را سلب نمود.

۲- مردم و خلقهای ستمدیده کشورما از یک نظام طولانی استبداد شاهنشاهی قرن‌ها رنج برده‌اند و ستم کشیده‌اند. بخصوص در صد سال گذشته بارشد آگاه‌های و توسعه مبارزاتشان، پیگیرانه برای کسب آزادی کوشش نموده‌اند و اکنون که به شکرانه پیروزی انقلاب اسلامی نظام ننگین شاهنشاهی و سلسله غارتگر و جنايتكار رپهلوی سرنگون شده است، مردم و خلقهای ستمدیده کشور ما بحق خواهان برخورداری کامل از کلیه آزادیها و حقوق خود هستند. این آزادیها حق مسلم هر فردی است و همه از زن و مرد صرف نظر از نژاد، ملیت، زبان، مذهب و عقیده است. این حقوق و آزادیها فقط میتواند از جاسوسان و عمال بیگانه و جنايتكاران و مفسدین اصلاح‌ناپذیر سلب گردد. با توجه به این واقعیت که میهن عزیز ما کشوری کثیرالمله است، بدون اینکه برای ملیتهای مختلف کشورمان حق تعیین سرنوشت و خودمختاری کامل قائل شویم آزادی و دموکراسی مفهومی نخواهد داشت. ما با حرکت از موضع استوار وحدت پرولتاریا، خلقها و یکپارچگی و استقلال کشورمان اعتقاد راسخ داریم که حفظ این

آنهاست. زحمتکشان مواد تولید و ساختان کشور و در پیروزی انقلاب سهم اصلی و اساسی داشته و دارند ولی تا بحال کمترین سهم نصیب آنها گشته است. وحدت بزرگ خلق، وحدت بزرگ ضلع امپریالیستی، میسر نخواهد بود مگر با توجه جدی، سریع و دقیق به وضع زحمتکشان و تامین رفاه و عدالت اجتماعی برای آنان.

قانون اساسی جدید باید متضمن حقوق اساسی زحمتکشان باشد و حدود و ثغور مالکیت بویژه در زمینه‌های اصلی اقتصادی، روشن و به نفع خلق محدود گردد. مسائلی از قبیل تأمین یک زندگی مرفه برای زحمتکشان، همراه با رشد اقتصادی کشور، بیمه و بهداشت و کمک‌های لازم به زنان باردار و مادران، بویژه زنان زحمتکش، حداقل آموزش و پرورش رایگان و امکانات تحصیلی ارزان، مسکن رایگان یا ارزان، باید بخوبی در قانون اساسی جدید در نظر گرفته شود.

گذشته از این سه مسأله اصلی به چند نکته دیگر نیز باید توجه داشت:

- * ساده کردن دستگاه اداری و دولتی و ایجاد امکانات برای شرکت مستقیم و هر چه وسیعتر مردم در تصمیم‌گیریها و حل مسائل.
- * ایجاد ضوابط و شرایطی که مردم خیلی راحت و سریع بتوانند دولت را مورد کنترل و بازخواست قرار دهند و حتی آنرا عوض کنند.
- * قانون اساسی باید بزبان ساده نوشته شود و برای مردم قابل درک باشد این خود میتواند از ایجاد ابهامات و تفاسیر گوناگون نسبت به مواد قانون جلوگیری نماید.
- * تعویض مواد قانون اساسی باید بر احتی امکان پذیر باشد. باید شرایطی را در نظر گرفت که اینکار بدون اشکالات زیادی قابل اجرا باشد.

ما از همه علاقمندان و صاحب نظران میخواهیم که نظرات خود را در این باره با ما در میان بگذارند. ما در نظر داریم جلسات بحث و تحقیق و بررسی در مورد قانون اساسی ترتیب دهیم و دعوت

داشته‌اند از ایران گریختند و آمدن لاجوردی صاحب معدن و کارخانه نیز فراری گردید. اما بعد از پیروزی انقلاب و در حدود یک ماه و نیم پیش آقای لاجوردی با ایران مراجعت کرد و پس از تماس با کمیته امام و دریافت برگ عدم تعقیب بوسیله شرکت مراجعت نمود. برای جبران کمبود متخصصین آمریکائی فراری از ایران در حدود شش ماه پیش یک مهندس ایرانی برای دیدن دوره‌ی لازم به خارج فرستاده شد که اخیرا مراجعت نموده است ولی ظاهرا آمریکا آنها بطوری کارهای معدن و کارخانه را از همه کس مخفی نگه داشته بوده‌اند که مهندس ایرانی مزبور هنوز نتوانسته است از کارهای آنها سردر آورده و کارخانه را که از همه نظر آماده بهره‌برداری است بکار برساند.

اما بکار نیافتادن کارخانه یک علت اساسی دیگر هم دارد و آن اینکه کارگران شرکت که اکنون نسبتا متشکل شده‌اند خواهشهای خویش را به کارفرما اعلام داشته و تهدید کرده‌اند که در صورت عدم توجه مسئولین کارخانه و معدن با این خواسته‌ها بعد از آغاز بهره‌برداری دست از کار خواهند کشید. وضع کارخانه سولفات طوری است که اگر بعد از آغاز کار مجددا متوقف گردد صدمات جبران ناپذیری ببدن وارد خواهد گردید. از این نظر آقای لاجوردی که تمایل زیادی به انجام خواسته‌های کارگران ندارد. در شروع بهره‌برداری تردید دارد و در این امر تعلل می‌ورزد. خواسته‌های کارگران شرکت تهران - کمیکال بدین شرح اند:

- ۱- دریافت حق ۳ ساعت رفت و آمد از کارخانه بشهر.
- ۲- تأمین آب تصفیه شده تهران بجای استفاده از آب شور موجود در محل.
- ۳- برخورداری از مزایای خاص معادن، توضیح اینکه کارخانه در یک معدن سولفات قرار گرفته و در صورت ادامه‌ی کار در شرایط

میکنیم تا در این مورد با ما همکاری کنند. برای تماس با ما میتوانید با آدرس "رنجبر" ماه بنویسید و یا تلفنی با ما تماس بگیرید.

سرایدار کارگاه هم هست. از انقلاب اسلامی پشتیبانی میکنند و وقتی از سندیکای کارگران جعبه‌سازی از او سؤال میکنیم از آن خبری ندارد.

علی یکی دیگر از کارگران ۱۹ سال دارد، ۴۰ تومان در روز مزد میگیرد و نزد اقوام خود زندگی میکند. تا دو هفته قبل در یک کارخانه میل‌سازی کار میکرد ولی این کارخانه بعللی که برای علی روشن نیست از طرف کارفرما تعطیل شده. البته کارفرما مزایای کارگران را پس از اخراج پرداخت کرده است.

در این کارگاه دو کارگر هندی هم کار میکنند که مزدشان از سایر کارگران کمتر است و هر کدام ۳۰ تومان در روز میگیرند. کارگران کارگاه سالسی ۱۲ روز مرخصی دارند و اگر کارگری احیانا نتوانست بعللی آروزی هم اضافه بر مرخصی سالانه‌اش بر سر کار حاضر باشد کارفرما مزدش را پرداخت میکند.

هوای کارگاه بسیار کثیف و آغشته به خاک مقواست. در این شرایط امکان مریض شدن بسیار زیاد است. آقای مصطفی سرکار کارگران کارگاه تعریف میکنند "سال گذشته کارگری در اینجا بمرض سرطان حنجره دچار شد و زندگی را تمام کرد". او معتقد است که مرض کارگران مزبور از محیط کثیف کارگاه ناشی شده است.

وقتی از علی آقا کارفرمای کارگاه راجع به وضع کارگران سؤال میکنم میگوید: "ما در اینجا فعلی وبدون وجود تسهیلات لازم کارگران در معرض خطر بیماریهای گوناگون ناشی از مواد شیمیائی قرار میگیرند. ۴- کاهش دادن قیمت غذای روزانه از ۲۰ ریال به ۱۵ ریال. ۵- تقلیل ساعات کار از ۱۱ ساعت در هفته به ۴۰ ساعت در هفته. ۶- پرداخت حق مسکن. طبق آخرین خبراکنون خواسته‌های ۴، ۵، ۶ کارگران مورد قبول وزارت کار و کارفرما قرار گرفته است و رسیدگی به خواسته‌های ۱، ۲، ۳ به بعد موکول گردیده است.

است تهیه کند. حیدر سوادندارد ولی بسیار تیزهوش و کنجگاو است. او فکر میکند علت بیسوادیش فقر بیش از حد پدر و مادرش بوده ۳- تعمیرگاه اتومبیل:

مساحت کارگاه ۳۰۰ متر، تعداد کارگران ۸ نفر با ضافه یک نفر که کمیسیون کار میکند. کارگاه با سرمایه ۵۰۰ هزار تومان ۵ سال پیش شروع بکار کرده است. کارگاه روبا زاست و کارگران در تابستان زیر آفتاب و در زمستان در برف و باران کار میکنند. کارفرما که خودش هم مطابق کارگران کار میکند تا بحال بیمه و مالیات نمیدانند و هیچکدام از کارگران بیمه نیستند. دونه‌ها کارگران هفته‌ای ۵۰۰ تومان و بقیه هفته‌ای ۱۵۰ تا ۲۰۰ تومان مزد میگیرند. هیچگونه وسایلی در محیط کار موجود نیست و دستهای کارگران پا و از صبح تا شب در پشت نفت برای شستن قطعات اتومبیل است.

جوادی یکی از کارگران این کارگاه است، سنش ۲۳ سال است و ازدواج کرده ولی هنوز فرزندی ندارد. هفته‌ای ۵۰۰ تومان مزد میگیرد ولی هیچ مزایائی ندارد. بیمه هم نیست ولی با کارش راهم باید خودش تهیه کند. خانهای با دو خانوادگی دیگر اجاره کرده‌اند و ماهی ۱۲۰۰ تومان اجاره میدهند. از سندیکای کارگری سؤال میکنیم اطلاعی ندارد. نظرش را راجع به انقلاب میپرسیم، میگوید: "خب معلومه دیگه، ما خیلی خوشحالیم."

ترجمه کامل
ماتریالسم
و
امپریو-کرنیسیسم
اثر لنین
که توسط موسسه مطبوعاتی آسیا در آمریکا منتشر شده است بزودی چاپ دوم آن انتشار مییابد.

افتاد: ساعت ۵ بود که یک دسته رنجبر توی دستم بود و فریاد می کشیدم رنجبر، رنجبر، نه آمریکانه روسیه، ایرانی مستقل و متکی بخود یا فریاد من مردم از من چند تائی رنجبر خریدن. اما در این موقع آقائی آمد جلوی من و به من گفت "هیچ میدانی این چه هست می فروشی؟ من خودم رابه کوجه علی چپ زدم و گفتم نه، چطورمگه، من این را بخیاطی استفاده اش میفروشم. چند نفر دور ما جمع شده بودند، او بمن گفت این روزنامه ما قویستی است. من گفتم من بابت اینها پول داده ام و باید بفروشم. مرد در این موقع شروع کرد با من دعوا کردن. اما دو همین حال مرد کا رگری که روی موتور نشسته بود آمد جلو و گفت: آقا من و شما و دیگران در تظاهرات رفتیم که آزادی داشته باشیم و الان آزادی داریم. شما آزادی عقیده دارید که بگوئید حزب توده را دوست دارید و این پسر چه هم آزادی عقیده دارد و میخواهد روزنامه ما ر کسبستی خود را بفروشد مردی که با من دعوا کرده بود به مرد کا رگر گفت: به توجه، اصلا بتو مربوط نیست و یک مشت یواش زد توی دل مرد کا رگر. مرد کا رگر هم آره ای پشت موتور بود و آنرا از پشت موتور کشید که با آن، مرد را بزند که مردم نگذاشتند و آنرا از هم سبوا کردند. آن مرد کا رگر لحظه ای صبر کرد و آرام رفت و من هم آمدم خانه. آن مرد کا رگر از من و رنجبر دفاع میکرد.

★ یکی از خوانندگان ما از رشت مینویسد: "مدتی بود که اعلامیه های سازمان انقلابی را هر وقت که بدیوارهای محله ما میزدند، چند نفر از مذهبی های متعصب بلافاصله از دیوار میکندند و کسی هم کاری بکارشان نداشت. چند روز پیش من تصمیم گرفتم با این افراد وارد مذاکره بشوم و علت را جویا کردم. بنا بر این با یکی از آنها وارد صحبت شدم و با و سه اصل خلق را که سازمان انقلابی مطرح کرده توضیح دادم (استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی - رنجبر)

کردم و گفتم: شما چه کار دارید، من کار را انجام میدهم، هر چه باشد. خلاصه طرف راضی شد و رفتیم سرکار. در اول کار یک لاستیک خیلی بزرگ که حتی از قدم نیز بزرگتر بود و وزنش ۱۵۰ کیلو، دادند و گفتند بار کا میون کن. بلند کردم روی کا میون بگذارم که از دستم در رفت و محکم با پهلو به زمین خوردم و در حالی که از درد به خود میپیچیدم کا را اول کرده و از کارخانه بیرون آمدم. حالا دیگه نمی دونم چکار کنم، از خجالت روم نمی شه به خانه برم، من اگر خودم گرسنه باشم مهم نیست اما جواب زن و بچه ام راجه بدم. امروز که رفته بودم دکان بقالی سر کوجه مون توجوادیه، بقاله گفت جرانی آبی ۶۵ تومان بدهیات را بدهی. بهش گفتم و الان دارم در اولین فرصت که ناگهان زد تو گوشم از خجالت سرم را بلند نکردم ولی داشتم میمردم من یک کا رگر با شرفم یک عمر هیچکس دراز نکردم و نمی کنم. شروع کرد به زار زار گریه کردن من و چند نفر حاضر دیگر که خیلی متأثر شده بودیم از او که در تمام مدت صحبتش ایستاده بود، دعوت کردیم که بنشیند و چایی بخورد. بعد او راه کناری کشیدم و گفتم بیا فعلا یک بساط دست فروشی بگذار تا بعد یک کار دائم پیدا کنی قبول کرد و قرار شد فردا بیا بدو با هم به بازار برویم و مقصداری جنس برای بساطش بخریم. فردا آمد و گفت یک کا ردر انبار کا رخانه آزمایش پیدا کردم البته فقط برای دو ماه. از شروط! کار هم اینه که باید کارت صحت و سلامت داشته باشم، رادیوگرافی بکنم، معاینه دکترو آزمایش انجام بدم و بعد... خدا حافظی کرد و دور شد. او هر کجا که رفته بود ما ندیدیم گوسفند با اورفتار کرده بودند. چقدر وزن دارد، چقدر قلب و دندانش خوبست و... در واقع در نظام سرمایه داری هیچ زحمتکش از این رزق ندارند.

★ یکی از خوانندگان رنجبر طی نامه پرمحبتی مینویسد: پس از اهداء عالیترین تهنیت

ده خوب میشود و موضع د امپرووری خلاصه از این نوع خیرها و خیرهای نظیر این دوستان زیاد دارند که برای شما بفرستند و بیا به دست بنده بدهند تا بنده برای شما بفرستم، اگر امکان دارد بنده را راهنمایی فرمائید تا آنها را در این جریان بگذارم. رنجبر - دوست گرامی، از نامه و احساسات گرم نسبت به سازمان و رنجبر متشکریم و از برخورد فعال و پرشورت آموختیم.

از پیشنهاد کمک توبه "رنجبر" استقبال میکنیم، خبر، گزارش بویژه در رابطه با زحمتکشان برایمان بفرست. نمونه هایی از اینها را در بخش کارگری و دهقانی "رنجبر" می بینیم - برایت آرزوی موفقیت داریم.

رویدادهای هفته...

آورده است و شور و شوق عظیمی در میان توده ها برای آموختن موجود است. آنان که در دوفغان "فاشسیم آمد فاشسیم آمد" را بر اه انداخته اند خوبست چشمهایشان را باز کنند و به واقعیات احترام گذارند و این شور و شوق و آزادی تبلیغ و انتشار مکاتب گوناگون ایدئولوژیک و سیاسی را ببینند تا که جهان در نظرشان آنقدر تیره و تاریک آید.

دولت باید به درخواستهای عادلانه خلق عرب پاسخ گوید

در هفته گذشته حضرت آیت الله شیخ محمد طاهر آل شبیر خاقانی، طی پیامی که از رادیو هم پخش شد، بروی رسیدگی فوری بدرخواستهای بحق خلق عرب تکیه گذارده و در مصاحبه ای با فرستاده ویژه روزنامه کویتی الالبنا نیز گفتند: "در رژیم گذشته وضع به گونه ای بود که همه خلقهای ایران تحت فشار و ستم و نیز محرومیت قرار داشتند. انقلابی که اینک میرویم تا شاهد ثمرات تری آن باشیم همه نظام گذشته را درهم کوبید. بدیهی است این انقلاب که متضمن حقوق همه خلقهاست شامل حقوق عرب مسلمان خوزستان

نیز میباشد. اگر خواسته های ارائه شده از طرف نمایندگان مردم خلق عرب خوزستان جنبه شرعی دارد و ناقض برنامه های دولت نیست، طبیعی است که دولت ملزم به رعایت این حقوق خواهد بود ولی چنانچه این حقوق به جامعیت کلی انقلاب لطمه وارد میآورد، بدیهی است ما نیز آنرا تأیید نخواهیم کرد." جنبش خلق عرب خوزستان جنبشی است عادلانه که در اتحاد با جنبش اسلامی تحت رهبری امام خمینی و بعنوان بخشی از آن عمل مینماید. اگر چه عده ای تفرقه افکن سعی در بهم زدن وحدت

جها در سال ۱۳۲۹ تا بح ۷۷ هزار دلار بود در حالی که روسیه صنعتی آنرا با قیمت یک میلیون دلار به هند میفروخت. در سال ۱۳۵۱ هند بیست هزار تن پنبه از شوروی بمبلغ هر عدل ۳۲۵ دلار خریداری نمود در حالی که بهای پنبه در همان سال در بازار بین المللی هر عدل ۲۳۷ دلار بود. و بالاخره در سال مالی ۴۳-۱۳۴۲ کل "کمک" شوروی به هند ۱۳۹ میلیون روپیه بود در حالی که باز پرداخت وام و بهره های حاصله از آن ۵۶۷ میلیون روپیه بود یعنی روسیه بیش از ۴ برابر آنچه کمک میداد از هند دوستان ربح میگرفت.

در افغانستان در طی مدت ۱۵ سال شوروی توانست شریان های اقتصادی و سیاسی کشور را از طریق همین "کمک" های امپریالیستی بدست آورد. حتی قبل از کودتای محمد داود خان در اثر این "کمک" ها روسیه ۸۰ درصد تجارت خارجی افغانستان ۵۰ درصد صنایع و پروژه های صنعتی کشور را در کنترل خود درآورد. در طی مدت ۸ سال بیش از ۶۰۰ میلیون دلار وامهای گوناگون با بهره ۷-۵ درصد در اختیار دولت افغانستان قرار داد و بدین طریق تقریباً کل عملیات تولیدی و ساختمان را در رشته های آبیاری، کانال کشی، ماشین آلات سگ، سیلوی گندم، برق و صنایع الکتریکی در اختیار خود گرفت. بعنوان نمونه ای از معاملات تجار تی روسیه با افغانستان باید گفت که شوروی میوه خشک را از قرار هرتن ۱۳/۴ افغانی از افغانستان میخرید در حالی که همین میوه خشک از قرار تنی ۲۸/۹ افغانی به آمریکا و ۳۰/۷ افغانی به هند فروخته میشد. شوروی پشم افغانستان را از قرار تنی ۶۹/۷ افغانی میخرید در حالی که افغانستان همین پشم را از قرار تنی ۱۵۳/۳ افغانی به آمریکا و ۲۹۳/۳ افغانی به هند میفروشد. بالاخره بعنوان نمونه از کوششهای روسیه برای اعمال نفوذ در سیاستهای کشورهای وام گیرنده از طریق این وامها باید ذکر کرد که شوروی در جنگ سال ۱۳۵۲ (۱۹۷۳) میان مصر و اسرائیل و بمنظور وادار نمودن مصر به قبول آتش بس کمک های نظامی خود را به مصر قطع کرد و پرداخت فوری ۸۰ میلیون دلار بهره و وامهای مصر به روسیه را مطالبه نمود.

این نمونه ها تنها مثنی از خروارند و گوشه ای کوچکی از یک سیاست همه جانبه جهانی برای غارت و چپاول کشورهای جهان، بویژه جهان سوم توسط امپریالیسم روسیه را نشان میدهند. مادر شماره های بعد به جنبه های دیگری از فعالیت های این امپریالیسم - سوسیالیست نما خواهیم پرداخت.

روحانیت دارد و دستهای برتری طلب فارس نیز خلق عرب را تنها "عرب زبآن" میداند. اما خلقهای ما تفرقه افکنی و نفی موجودیت ملیتها را محکوم میکنند. مادر تأیید و پشتیبانی از جنبش خلق عرب و ستایش از روشن بینی و درایت رهبری آن که در مصاحبه فوق منعکس است مصر از دولت ملی میخواهیم که بخواستهای محققانه خلق عرب جواب گوید زیرا، کوچکترین تعللی، باعث پیچیدگی و غامض شدن این مسئله گشته و زمینه را برای فعالیت های ضد ملی تفرقه افکنان و فرصت طلبان فراهم میآورد.

شوروی :

کشوری امپریالیستی (۵)

ماهیت واقعی "کمک" های اقتصادی شوروی

در شماره های گذشته توضیح دادیم که چگونه اتحاد جماهیر شوروی سوسیالیستی بعد از مرگ استالین در اثر قدرت یافتن دارو دستهای خروشچف - گامسینگین - برژنف تغییر ماهیت داده و بتدریج تحت سلطه سرمایه داری انحصاری دولتی قرار گرفت و بدین طریق به کشوری امپریالیستی با نقاب سوسیالیستی (سوسیال امپریالیستی) مبدل گردید. از این شماره به بعد مظاهر این تغییر کیفیت شوروی را که در سیاست های اقتصادی، سیاسی، فرهنگی و غیره آن، چه از نظر خارجی و چه از نظر داخلی جلوگیری میکند بتدریج توضیح خواهیم داد.

"کمک" های اقتصادی شوروی به کشورهای دیگر

بطور کلی امپریالیسم در اثر رشد سرمایه داری و مسلط شدن انحصارات بر صنایع یک کشور بوجود میآید. سرمایه های صنعتی در اثر تکامل خود با سرمایه های بانکی تداخل و امتزاج مییابد و شریان اقتصاد کشور را در کنترل میگیرد. اما این سرمایه تمرکز یافته انحصاری که حتی در مواردی به سرمایه انحصاری دولتی نیز تکامل مییابد برای رشد بیشتر خود محتاج به نفوذ در سایر کشورها است. سرمایه های بسیار بزرگی که در دست این انحصارات تمرکز یافته اند از یک طرف برای بدست آوردن مواد اولیه ارزان و فروش محصولات صنعتی خود احتیاج به بسط و گسترش فعالیتها و خویش در سرزمینهای جدیدی دارند و از طرف دیگر بخاطر رشد مبارزات کارگری در داخل این کشورها و ترقی دائمی دستمزد کارگران وطنی مجبور اند برای کسب سود بیشتر به سرمایه گذاری در کشورهای دیگری که بعزت عقب ماندگی اقتصادی و وجود حکومتهای دیکتاتوری در آنجا دارای دستمزدهای پایین و طبقه کارگری نسبتاً مطیع هستند، بپردازند. باین دلیل سرمایه داران انحصاری از یک طرف میکوشند تا با وسایلی چون سرمایه گذاری (ایجاد موسسات صنعتی)، دادن وامهای دراز مدت و ایجاد شرکتها و مختلط در کشورهای دیگر به کسب سودهای کلان در آنجا بپردازند. از طرف دیگر برای تداوم یافتن چپاول خود در این کشورها از رشد اقتصادی مستقل و متکی بخود آنها جلوگیری کرده و نیز حکومتهای دست نشانده و استبدادی در آنجا بروی کار بیاورند. با توسعه فعالیتهای امپریالیستهای کشورهای مختلف و تسخیر تمام بازارهای جهان، امپریالیستهای که دیگر محلی برای گسترش بیشتر سودجوییهای خود ندارند، بمنظور تقسیم مجدد جهان و جنگ آوردن سهم بیشتر دست بجنگ میزنند و بهمین دلیل است که در دوران سلطه امپریالیسم جنگ های بزرگ جهانی میان امپریالیستها اجتناب ناپذیرند.

حال ببینیم در رابطه با این تعاریف، عملکرد سوسیال امپریالیسم روسیه چگونه بوده است:



رویدادهای هفته

الغای کاپیتولاسیون

نمودن کاپیتولاسیون دست آوردی دیگر به دست آوردهای انقلاب افزود و این تصمیم از حمایت قاطع کلیه میهن پرستان برخوردار است.

استقلال طلبی و رهبران جبهه ملی

روز بروز احزاب، سازمانها، و شخصیت های ملی و میهن پرست، بیش از پیش بروی اهمیت مبارزه برای استقلال کامل میهن تکیه میکنند و هوشیاری و مبارزه با توطئه های ضد ملی امپریالیستها به یک جریان اساسی سیاسی در کشور تبدیل میگردد.

رهبران جبهه ملی ایران در سخنرانیها و پیامهای اخیر خود بار دیگر لزوم دفاع از استقلال میهن را خاطر نشان کرده و به ضرورت وحدت همه نیروهای میهنی برای پیشبرد موثر این وظیفه ملی تاکید مینمایند:

هفته گذشته مهندس حسینی رئیس شورای مرکزی جبهه ملی ایران در جلسه کلوپ حزب ایران یادآور شد:

"امروز بالاتر از هر چیز، مملکت نیاز به اتحاد و اتفاق دارد و از آیه یاس خوانندن باید خودداری کرد.... باید در اصل مطلب اختلافی نباشد، یعنی در یگانگی و عدم تسلیم شدن به استعمار و استثمار اختلافی نباشد. چون اصل مطلب استقلال مملکت است.... اصلاح کسی میتواند بگوید که من مسلمانم یا طرفدار فلان عقیده هستم، ولی بفکر استقلال و آزادی مملکت نیاشد.... معنای وحدت کلام آن روزها "الله اکبر" بود ولی امروز "استقلال" مملکت است. وحدت کلام امروز در جلوگیری از "استبداد" و "استثمار" و "جلوگیری از تسلط خارجی" در این کشور است....."

با پیشنها دهیثت وزیران دولت موقت جمهوری اسلامی ایران و تصویب این پیشنها توسط شورای انقلاب اسلامی به عمر لایحه ی کاپیتولاسیون که یکی از سنگین ترین قراردادهای تحمیلی استعماری بر ملت ما بود، پایان داده شد. ریشه تاریخی این قرارداد معاهده ی ننگینی بود که فتحعلی شاه قاجار با روسیه تزاری بسته بود و در دوران رژیم طاغوت، مجلس ضد ملی با تصویب این لایحه در مهر ماه ۱۳۲۲ - دست مستشاران نظامی آمریکا در ایران را در گشتار و قتل هبوطان ما بازگذاشته بود.

لغو این قرارداد اساساً رتبار خواست دیرینه ی طبقه های مایود و در راه تحقق آزادی و مبارزات وسیعی صورت گرفت.

حضرت آیت الله خمینی از آغا زبا این خیانت شاه سابق به مبارزه برخاستند و یکی از علل اصلی تبعید ما خمینی نیز همین بود. امام خمینی در سال ۱۳۴۲ بعد از تصویب این لایحه در دولت منصور در حوزه ی علمیه قم سخنانی ایراد کردند، من جمله گفتند "..... قلم درفش راست و روز شماری میکنم که چه وقت مرگ پیش میآید. در عزای ما بنام جشن های چهارم آبان چراغان کردند و دستجمعی رقمیدند، ما را فروختند، استقلال ما را فروختند.... اینها زهر جانی است که در ایران بکنند با این قرارداد کاپیتولاسیون مصون هستند اگر یک خادم آمریکائی یا اگر یک آشپز با زارتور رکنند، زیر پا منگوب کند، پلیس ایران حق ندارد جلوی او را بگیرد، دادگاههای ایران حق ندارند محاکمه کنند، با زپرسی کنند، باید بروی آمریکا آنجا ربا بها تکلیفش میکنند... دولت با کمال وقاحت از این قرارداد سنگین طرفداری کرد و ملت ایران را از سنگ های آمریکائی پست تر کردند."

دولت موقت شورای انقلاب جمهوری اسلامی ایران، با لغو

دکتر شایگان نیز در پیام خود تاکید میکند: "وجه مشترک بنده و شما آزادیخواهی و استقلال کشور است باین دلیل بخود اجازه میدهم تعلق خاطر خود را بسعه آزادیخواهی و استقلال ایران نشان بدهم....."

دکتر کریم سنجابی رهبر جبهه ملی ایران نیز در سخنان خود میگوید: "امروز اقتضای زمان و ضرورت زمان بمراتب بیشتر از آن موقع ایجاب میکند که یک نیروی حقیقی ملی، نیرویی که معتقد به استقلال ملت باشد و منحصر وابسته به ملت باشد و نیرویی که در مقابل عوامل سیاست بیگانه باشد بوجود بیاید...."

داریوش فروهر سخنگوی جبهه ملی ایران نیز در مصاحبه خود با خبرنگاری پارس میگوید: "دست آوردهای انقلاب اسلامی ملت ایران نیاز به پاسداری دارد و پدید آوردن یک اتحاد بزرگ برای انجام این وظیفه یک ضرورت تاریخی است که در برابر همه نیروهای استقلال طلب و آزادیخواه قرار گرفته است."

ما از این مواضع راستین حمایت کرده و بار دیگر تاکید می نمائیم که مرزبندی و مبارزه با دو ابر قدرت امپریالیستی آمریکا و روسیه تضمین کننده ادامه ی پیروزمند انقلاب است

شکوفائی بزرگ

اتحادیه ناشرین ایران آماری منتشر ساخته است که نمایانگر یک شکوفائی بزرگ در صحنه فرهنگ کشور است. طبق آمار این اتحادیه در طول ۶ ماه گذشته ۲/۰۰۰/۰۰۰ جلد کتاب انتشار پیدا کرده و ۸۰٪ آن بفروش رفته است. همچنین طبق این آمار تعداد کتاب منتشر شده در طی این ۶ ماه، برابر کتابهای انتشار یافته در طول ۲۵ سال اخیر بوده است.

انقلاب با واژگون ساختن رژیم منفرورپهلوی یک جریان شکفتگی فرهنگی در میهن ما به ارمغان بقیه در صفحه پنجم

مسائل و درخواستهای کارگران معدن سولفات

از تهران که بطرف قم و کهریزک میروید در حدود ۲۵ کیلومتری شهر جاده‌ی خاکی پرپیچ و خمی به دل بیابان فرو می‌رود. این جاده راه رسیدن به معدن و کارخانه‌های است که به شرکت "تهران کمیکال" تعلق دارد.

شرکت "تهران کمیکال" در حدود چهار سال ونیم پیش با سرمایه احمدلاجوردی سرمایه دار معروف و با استفاده از متخصصین آمریکایی مشغول فعالیت برای استخراج سولفات از این معدن گردید. این معدن که با مخارجی در حدود ۲۰۰ میلیون تومان آماده بهره برداری گردیده است دومین معدن سولفات در خاورمیانه است و بقدری با ارزش است که تنها در طی یک ماه پس از آغاز بهره برداری، کل سرمایه مصرف شده بدست سرمایه دار برخواهد گشت. سولفات بدست آمده از این معدن در کارخانه‌های دیگر احمدلاجوردی که مخصوص تهیه مواد شستشو هستند مورد استفاده قرار خواهد گرفت. آقای لاجوردی تا کنون سولفات مورد نیاز کارخانه - هایش را به بهای کیلویی در حدود ۴۰ ریال از خارج خریداری می - کرده است در حالیکه هر کیلو سولفات معدن کنونی حداکثر ۶ ریال خرج برخواهد داشت.

در این معدن در حال حاضر ۱۱۰۸ نفر کارگر و ۲۵۰ نفر کارمند کار میکنند. تعداد مهندسان کنونی که همگی ایرانی هستند ۷ نفر است. ده نفر از کارگران و ۵ نفر از کارمندان مذکور متاهل هستند که بعضی از آنها با خانواده‌های خود در آنجا زندگی میکنند. در محل معدن چندین دستگاه آپارتمان و خانه وجود دارد که به کارمندان و

کارگران اعم از متاهل یا مجرد اجاره داده میشود. کارگران مجرد در خانه‌های مجردی بصورت گروهی و بتعداد دو تا شش نفر در هر اتاق زندگی میکنند و برای هر اتاق ۱۵۰ تومان کرایه میدهند، این خانه‌ها فاقد آب گرم هستند. کارگران و کارمندان متاهل بین ۴۵۰ تا ۸۰۰ تومان کرایه خانه میدهند. کارگران این معدن اکثر جوانانی هستند بین ۱۲ تا ۲۵ سال که بعزت فقربیش از حد خانواده‌هایشان، تحصیل و خانه و زندگی خود را در روستا رها کرده و برای کار بدینجا آمده‌اند. تعدادی از آنها سواد دارند و می‌توانند سوادشان بین ۶ تا ۹ کلاس است. با سوادان اکثر دارای کارهای فنی اپراتوری، تولید و تعمیرات میباشند و درآمد نسبتاً بیشتری دارند. حقوق آنان بین ۸۵۰ تومان تا ۱۶۵۰ تومان است و آنها که سربازی انجام داده‌اند حقوق بیشتری میگیرند، تعداد بسیاری سوادان در حدود ۲۰ نفر است که در کارهای مختلفی از آنها استفاده میشود. بعضی از این عده بعزت داشتن سابقه کار طولانی (بعضی از آنها تا ۱۲ سال سابقه کار دارند) و نیز ساعات کار طولانی (۷/۵ صبح تا ۷/۵ شب) و انجام کارهای سخت و مشقت با معدن، درآمدی نسبتاً بیشتر از با سوادان دارند و ماهی ۱۷۰۰ تومان دریافت میکنند (در حدود روزی ۸۰ تومان برای ۱۰ ساعت کار) این کارگرها اکثر متاهل هم هستند و خانواده‌های آنها در روستاهای اطراف ساوه زندگی میکنند. آنها شبها در معدن می‌مانند و تنها روزهای تعطیل برای دیدار خانواده‌های خود میروند.

بقیه در صفحه چهارم

اتحادیه روزنامه‌فروشان اهواز

روزی که ما فروشان در کشور ما همیشه از جمله زحمتکش‌ترین افراد بوده‌اند.

آنها با تلاش جانکاه خود در زمستان و تابستان برای لقمه‌ای نان در تکاپو بوده اما هیچگاه از رفاه برخوردار نبوده و در عوض نردبان ترقی‌یابی مصباح زاده‌ها، مسعودی‌ها، داریوش‌ها می‌یونها و..... بوده‌اند.

از اینروست که ما از اعلام موجودیت اتحادیه منصف روزنامه‌فروشان اهواز که برای دفاع از منافع این زحمتکشان و بهبود معیشت و رفاه آنان تشکیل شده است استقبال میکنیم و آنرا تهنیت میگوئیم. اساسی هئیت مدیره این اتحادیه بشرح زیر است:

- آقایان:
- ۱- علی نمازی
 - ۲- حسین احمدی
 - ۳- محمد صادق محمد حسینی
 - ۴- غلامحسین نعلیان
 - ۵- حدید کیانیور
- به امید اینکه کلیه زحمتکشان میهن متشکل شوند و برای مبارزه با امپریالیستها و دشمنان انقلاب و در جهت رفاه توده‌های خلق گامهای بلندی بردارند.

نشانی دفتر رنجبر
تهران - خیابان مصدق
پایین تر از امیراکرم - کوی گودرز
پلاک ۱۶ - تلفن ۶۶۰۵۱۹

نشانی پستی رنجبر - تهران
صندوق پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴



خواسته‌های صیادان کیش شهر

صیادان شمال ایران در فقر عمیق قرار داشته و در تمام دوران حکومت رژیم محمدرضا شاه از همه طرف مورد ستم و استثمار قرار می‌گرفتند. این صیادان بعزت ممنوع بودن صیاد ز طرف رژیم سابق سالها است با دست زدن به صید قاچاق روزگار خود را میگذرانند یکی از مظلومات تجمع صیادان "کیا شهر" است.

کیا شهر در حدود صد نفر صیاد دائمی دارد. مراصلی زندگی آنان فقط همین صید ماهی است. اکثر این صیادان از روستاهای اطراف آمده‌اند و هنوز با روستای خود رابطه دارند. در دوره رژیم سابق از آنجا که قاچاق صید می‌کردند مجبور بودند بطریقی با زاندار مری و ما مورین محلی ساخت و یا خت کنند تا بتوانند به زندگی خود ادامه دهند. از جمله میگویند که هر بار حدود ۲۰۰۰ تومان به زاندارم محل زشوه میدادند و علاوه بر این مجبور بودند آنقدر با این و آن تلکه بدهند که با وجود کار بسیار زیاد و طاقت فرسا عملآخری خودشان راهی نمی‌توانستند دست آورند.

صیادان کیا شهر اخیراً جماعی تشکیل داده و اعلام کردند که در شرایط پیروزی انقلاب که حکومت ملی سرگراست دیگر نمیخواهند به صید قاچاق بپردازند. ولی از طرف دیگر برای امر معاش مجبور به صید بودند و دنبال راه حلی میگشتند، یکی دونهی راه حل آمده بودند صیادان را تشویق کردند که دست به تحمیل بزنند. اما صیادان تصمیم گرفتند که ابتدا به استانداری رفته و با استانداری وارد مذاکره شوند و در صورتیکه بخواسته‌های آنها رسیدگی

نشد، چون صید ماهی حق مسلم آنها است، به اقدامات دیگری واز جمله به تحصن و غیره دست بزنند. صیادان تصمیم گرفتند برای پیشبرد کارها ایشان یک کمیته ۵ نفری انتخاب نمایند. بعد از این انتخابات نمایندگان منتخب صیادان به استانداری رفتند و جلسه ای با استانداری، نماینده شیلات انزلی و نماینده شیلات کیا شهر داشتند و در ضمن مطرح کردن خواسته‌های خفه خود، اعلام نمودند که در صورتیکه به این خواسته‌ها رسیدگی نشود دست به تحصن خواهند زد

* * *
صیادان زانده حق مسلم صیادان زحمتکش شمال است. رژیم شاه خائن این حق را از آنان گرفته و در مقابل منابع ملی ماهی شمال را منحصر بخود کرده و درآمد آنرا به جیب مشتکی سرمایه دار دولتی فاسد و امپریالیستهای روسیه میریخت. ما معتقدیم برای رشد تولیدات کشور، از جمله در مورد صید ماهی، باید به مسئله رفاه زحمتکشان توجه کرد، به آنان تکیه نمود و خلاقیات و کاردانی آنان را شکوفان ساخت. از طرف دیگر صیادان فقیر و میانه‌حال، گام مهمی برای بهبود معیشت این زحمتکشان و رشد تولید ماهی شمال است.

ما ضمن پشتیبانی از خواسته‌های بحق این صیادان، از دولت ملی و استانداری گیلان میخواهیم به این خواسته‌ها توجه جدی کرده و تدابیر لازم را برای رفاه این زحمتکشان و رشد تولیدات ملی با تکیه به نیروی خلق، اتخاذ نماید